

+ M
Tech

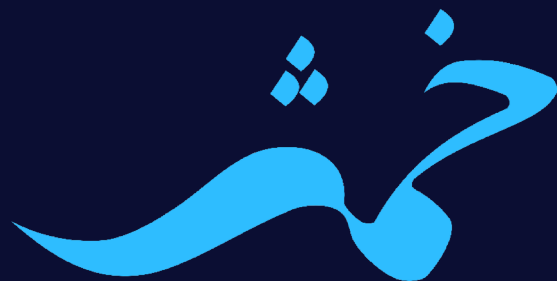
برش (Mech Tech)
ضمیمه علمی خمش



واینک شریف...

ویژه نامه‌ی ورودی‌ها

محمد مهدی دودانگه، ورودی ۹۸ مکانیک
عکاس: مهرشاد اولاد، ورودی ۹۸ ریاضی



خبرنامه مکانیک شریف دوره ۲۸، شماره ۳، آبان ماه ۹۹

در این شماره می خوانیم:

۳	سرمقاله
۳	به دانشگاه شریف، خوش آمدید!
۴	برای محور گرد هم آمده ایم
۴	از اینجا رانده و از آن جا مانده
۵	واژه نامه
۶	مجازیه؛ چه بخواهی، چه نخواهی!
۷	اولین ورودی کرونا
۸	ترش شیرین
۸	مثل تو!
۹	نیروی فوق العاده!
۹	ترازوهای نامیزان
۱۰	تصور تو از خوابگاه
۱۰	این نوشته، مخصوص شماره دانشجویی نود و نه، صد و دو، (...) است
۱۲	برای تو، ورودی جدید!
۱۴	دانش «جو» باش!
۱۵	به کجا برم شکایت به که گویم این حکایت
۱۶	از کف دریا تا خود آسمون
۱۶	جعبه ابزار
۱۷	رشته ی رویاهای من
۱۸	فراخوان
۲۰	Mech Break

سرمقاله

سید پارسا قزوینی، ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک



نفسی عمیق بکش. چشمانت را ببند. چند کلمه را می‌گوییم؛ به آن‌ها فکر کن و سعی کن با هر کدام یک جمله بسازی: دانشگاه، دانشجو، مکانیک، دریا، خوابگاه، شریف. چه شد؟ نشد؟ اگر نشد طوری نیست! بگذار برایت از سال قبل خودم بگویم. من هم همین‌طور بودم. فقط من نه؛ احتمالاً اکثر دانشجویها همین حس را داشتند. بعد از یک سال درس خواندن برای کنکور، برای شریفی که اصلاً نمی‌دانستم کجاست، بالأخره پایم به همان نمی‌دانم کجا باز شده بود. شریف برای من عادل فردوسی‌پور بود. شریف را یک فرودگاه می‌دیدم که همه با یک چمدان در حال رفتن هستند! بگذارید برگردم به روزهای اولم. در همان روزها، همین سؤال را کسی از من پرسید و جوابی دادم که اکنون که به آن فکر می‌کنم، خنده‌ام می‌گیرد. جوابم چه بود؟ دانشجو در نظرم انسانی بود با یک عینک ته‌استکانی! (البته بعداً فهمیدم تعدادی از دانشجویها دقیقاً همین‌طورند.) مکانیک برایم همان مهندسی شیمی رویاهایم بود، با چاشنی معادلات نیوتون و البته کسب رضایت پدر و مادر. اطلاعاتم درباره‌ی دریا که صفر مطلق بود! خوابگاه هم ...، از این مورد بگذریم؛ این مورد، وصف‌شدنی نیست. هرچه گذشت، تعداد این کلمات کم که نشد، بیشتر هم شد. البته که بخت با من یار بود و با افرادی آشنا شدم که نگذاشتند این مرحله‌ی گذار از مدرسه به دانشگاه، سخت و طولانی بگذرد. نه اینکه آسان بود، نه؛ زندگی همواره سختی‌هایش را دارد، چه برسد به وقتی که چنین تغییر مهمی رخ می‌دهد. اگر فکر کردید می‌آیید دانشگاه و راحت می‌شوید، سخت در اشتباهید. حداقل برای من که برعکس بود! نمی‌خواهم تصویری منفی از دانشگاه برایتان ترسیم کنم. اتفاقاً دوران دانشجویی خیلی شیرین است و حتی سختی‌هایش هم شیرین‌اند. صرفاً می‌خواهم تصور دقیق‌تری پیدا کنید. تمام دوستانم در این شماره تلاششان بر این بوده که همین تصور را برایتان دقیق‌تر کنند. حال آرام‌آرام چشمانت را باز کن. لبخندی بزن و با انرژی این مسیر را شروع کن!

این شماره از خمش را تقدیم می‌کنیم به تو!

به دانشگاه شریف خوش آمدید!



دکتر نورانی، استادیار دانشکده مکانیک

هر سال منتظر آمدن دانشجویان ورودی هستیم. همان‌طور که فرزندانم با بچگی کردن‌هایشان مرا به دوران خوش کودکی می‌برند و احساس شادی درونی را در من زنده می‌کنند، آمدن دانشجویان جدید، یک انرژی نو به من می‌بخشد و احساس جوانی به من می‌دهد؛ مثل یک رودخانه که در حال حرکت است و دائماً تازه می‌شود. اگر در ابتدای ورود به دانشگاه حس ناامنی دارید و دیگر خبری از پشتیبان و حمایت معلم‌ها نیست و فکر می‌کنید اینجا خیلی هم خبری نیست و کمی حس ناامیدی به شما دست می‌دهد و ...، همه‌ی این‌ها طبیعی است و نشانه‌ی بزرگ شدن شماست؛ مثل یک گل که از گلخانه با بیشترین حمایت‌ها جدا شده و به یک فضای واقعی در یک باغچه بزرگ آورده می‌شود و در معرض باد و باران قرار می‌گیرد. مقاوم باشید و طوفان‌ها را تحمل کنید. آنقدر تنومند شوید که تحمل باد و باران برای شما آسان شود. بادهای نه‌تنها نمی‌توانند شما را از پا درآورند، بلکه پلشتی‌ها را می‌ریزند و درون شما را شکوفا می‌کنند. خانواده‌ی بزرگ مهندسی مکانیک شریف شما را در آغوش می‌گیرد. اینجا فرهنگ همدلی، احترام متقابل، انتقادپذیری، محبت، تحمل مخالف، همکاری و تعامل برقرار است. ما در کنار شما هستیم.

براء محور گرد هم آمده ایم

شرحی مختصر بر آنچه در انجمن علمی می‌گذرد!



فاطمه شجاعی، ورودی ۹۸ مهندسی دریا

می‌خواستم نوشتنم را با موقعیت مکانی «محور» برایتان شروع کنم که راستش را بخواهید دیدم بعد از گذشت این ۸ ماه، تنها هاله‌ای از تصاویر دانشکده و دانشگاه برایم باقی مانده است. تقصیری هم ندارم، آخر شما با یک دانشجوی دویست مواجه هستید که تنها یک ترم را در فضای فیزیکی دانشگاه زندگی کرده است؛ اما «گرچه دوریم ولی مشتاقیم». قرار است از «محور» خودمان یا همان «انجمن علمی دانشکده» برایتان بگویم. اینکه محور چیست و بر چه محوری جلوه می‌رود. محور فعالیت‌های دانشجویی، عبارت سه‌بخشی است که می‌تواند بهترین خاطرات دوران دانشجویی شما را با خود گره زند و حتی پا را فراتر از خاطره‌سازی بگذارد و بخشی از مسیر آینده‌ای را که ممکن است در ابتدای آن دچار ابهام باشید، شفاف سازد. باید این سه بخش کلیدی را برای خودمان معنا کنیم که «به کجا می‌روم آخر بنمایی وطنم».

در ابتدا، با محوری روبه‌رو هستیم که تداعی‌کننده‌ی ایهامی زیبا برایمان خواهد بود: ایهامی از ترم سه که سر کلاس مقاومت مصالح نشسته‌اید و استاد برایتان از نیروهای محوری در هریک از اجزا صحبت می‌کند تا محوری که می‌شود جمعی دوستانه برای شما! بگذارید از این فضا خارج شوم و تعریفی دقیق‌تر برایتان بگویم: در هر دانشکده‌ای انجمنی وجود دارد به نام انجمن علمی که فعالیت‌هایی را در آنجا انجام می‌دهند؛ اینکه چه فعالیت‌هایی در بخش بعدی برایتان می‌گویم. در بخش دوم با «فعالیت‌ها» روبه‌رو هستیم. می‌خواهم در این بخش از محوریت فعالیت‌های بچه‌ها در محور برایتان بگویم (آرایه‌های جمله‌ی قبل را مشخص کنید!) راستش را بخواهید وسعت این بخش آن‌قدر زیاد است که این ۵۰۰ کلمه، مجال کافی برای نوشتن برایم نمی‌گذارد و باید به توضیح مختصری از هر بخش اکتفا کنم. با شنیدن اسم انجمن علمی اولین فعالیتی که به ذهن هرکدام از ما خطور می‌کند، «فعالیت‌های علمی» است. اما از آنجا که ما اصلاً دانشجویانی تک‌بعدی نیستیم، در کنار بخش علمی، بخش فرهنگی را نیز پیش می‌بریم (اصلاً همین الان که دارید این نشریه را می‌خوانید با یکی از دستاوردهای بخش فرهنگی محور مواجه هستید) و بخش‌های دیگری که هرکدام دست به دست یکدیگر می‌دهند تا محور را به‌سوی اهدافش پیش برند. با بخش «علمی» شروع می‌کنم. بخشی که با برگزینی نشست‌های متفاوت، شما را با ابعاد رشته‌ی خود چون گرایش‌ها (نام این نشست‌ها «کانال‌لوگ» است)، صنعت و کارآفرینی (استارت)، بررسی رشته در خارج از مرزها (رادار) و ... آشنا می‌کند. برای اطلاعات بیشتر شما را به کانال محور ارجاع می‌دهم.

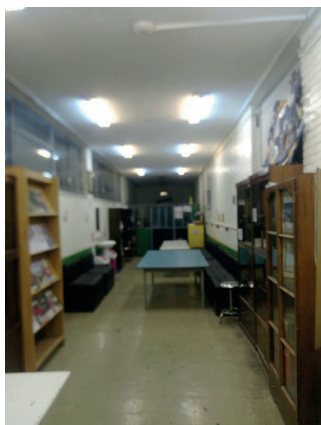
از اینجا رانده و از آن جا مانده



نسیم حق دوست، ورودی ۹۷ مهندسی مکانیک

با عرض سلام به طفلی‌ترین‌ها

به آخرین ورودی‌های قرن مکانیک شریف که ترم اول خود را به جای هاج و واج گم‌شدن در دانشکده، صرف جابه‌جاشدن بین سی‌دبلیو و وی‌کلاس خواهند کرد. به ورودی‌هایی که از نعمت سال‌بالایی حضوری (نویسنده به خود اشاره دارد) محروم هستند. به آن‌هایی که هنوز برای گرفتن واحد، به خانم خسروانی مراجعه نکرده‌اند. در این متن شما را با یکی از بخش‌های فعالیت دانشگاهی که ما آن را «شورای صنفی» می‌نامیم، آشنا خواهیم کرد. علت تمایز این چوب با چوب‌های دیگر، در میزان محبوبیت آن بین استادها، مسئولین آموزش و دانشجویان است که در ادامه، این محبوبیت را ریشه‌یابی خواهیم کرد. شورای صنفی دانشکده شباهت‌های زیادی به شورای مدرسه دارد، اما بسیار جدی‌تر و مهم‌تر است. از جمله این شباهت‌ها می‌توان به قول اردو دادن کاندیداها اشاره کرد. این شورا در راستای رفع مشکلات دانشجویان فعالیت می‌کند؛ به این صورت که اعضای صنفی خواسته‌ی دانشجو را، با در نظر گرفتن امکانات و قوانین دانشگاه پیگیری می‌کنند. معمولاً باید با استادها و مسئولین مذاکره کنند که لازمه‌اش صبر ایوب و ممارست ویژه است. گاهی این پیگیری‌ها نتیجه نمی‌دهند که باعث می‌شود هم مسئولین هم دانشجویان، به صنفی علاقه‌ی وافر نشان دهند. از شوخی گذشته، پایه و اساس تشکیل این شورا جمع‌شدن دانشجوها در گروهی است که باعث ایجاد سینرژی (یا همان هم‌افزایی خودمان) خواهد شد.



بخش «فرهنگی» حواش هست که شما فقط درگیر مباحث علمی نباشید و بتوانید ابعاد دیگر وجودی خود را نیز رشد و پرورش دهید. نشریه‌ی «خمش»، محفلی را برایتان فراهم می‌کند که بتوانید بنویسید، ویراستاری کنید و ... بخش فرهنگی به ارتباط دانشجویان با یکدیگر و حتی استادها هم توجه می‌کند. سلسه جلسات «گیربکس» فضایی را ایجاد می‌کند تا در آن «هرچه می‌خواهد دل تنگت بگو». فعالیت‌های محور به همین‌جا محدود نمی‌شود. بخش «مسابقه» در تلاش است که بتواند پلی برای شما بین فضای آکادمیک دروس دانشگاهی و نیازهای صنعت باشد؛ فضایی که می‌توانید رقابتی شیرین را در آنجا تجربه کنید. شاید در همین ابتدای مسیر با خودتان فکر کنید که نرم‌افزارهای مخصوص مهندسی را از چه زمانی و از کجا باید یاد بگیرید. شاید باورتان نشود، ولی محور حتی به نیازهای آموزشی شما هم فکر می‌کند و هر ساله نرم‌افزارهای مورد نیاز دانشجویان را با استادها مجرب آموزش می‌دهد. خلاصه که همه‌جوره حواش هست. اما از هرچه بگذریم سخن «رسانه» خوش‌تر است. همان‌طور که از اسمش هم پیداست، آمده است که «برساند». اما مسئله این است که چه چیزی را چگونه برساند و همین است که موجب می‌شود فعالیت‌های رسانه‌ای همواره حرفی برای گفتن داشته باشند و تکرار در آن‌ها بی‌معنی باشد. و اما در بخش سوم (دانشجویی) با خودمان مواجه هستیم. خودمان که بخش مهم «محور فعالیت‌های دانشجویی» را تشکیل می‌دهیم؛ بخشی که با یکدیگر تعامل می‌کنیم و کنار یکدیگر تجربه کسب می‌کنیم و گویی «برای محور گرد هم آمده‌ایم». شاید با خودتان بگویید حالا که کرونا فضای ناامیدی را در تمامی ابعاد زندگیمان تزیین می‌کند، حتماً بخش‌های مختلف محور هم در حال خاک‌خوردن می‌باشند تا روزی که چندمین موج کرونا هم به پایان برسد و روزی که نمی‌دانم ترم چندم کارشناسی‌ام را سپری می‌کنم با این فضای حقیقی مواجه شوم؛ ولی باید بگویم که خیر، سخت در اشتباه هستید. زیرا محور هیچ‌گاه از حرکت باز نمی‌ایستد و همچنان پر قدرت ادامه می‌دهد، گویی «تا شقایق هست زندگی باید کرد». حقیقتاً این ۵۰۰ واژه نمی‌تواند توصیف کاملی بر محور فعالیت‌های دانشجویی باشد؛ اما امیدوارم بتواند دل‌هایتان را روانه‌ی فعالیت‌های محور کند. منتظر شما هستیم، کلیک رنجه بفرمایید!

*سینرژی: ساخت یک «کل» است که حاصل آن از جمع ساده‌ی تکتک اجزا بیشتر می‌شود. صنفی دانشکده از دبیر، نایب‌دبیر و تعدادی کارگروه تشکیل شده است. اعضای شورا از بین خودشان، دبیر و نایب‌دبیر را انتخاب می‌کنند که عموماً دبیر به شورای صنفی مرکزی راه پیدا کرده و فعالیت خود را در سطح دانشگاه ادامه می‌دهد. کارگروه‌های آموزشی، رفاهی، ساختمان جدید، پردیس و تحصیلات تکمیلی، دریا و رسانه برای هدفمند کردن پیگیری‌ها ایجاد شده‌اند و نایب‌دبیر، وظیفه‌ی هماهنگی کارگروه‌ها را برعهده دارد. برای مثال، تعدادی از وظایف کارگروه آموزشی را ذکر خواهم کرد: ۱- همکاری با آموزش دانشکده برای تنظیم برنامه‌ی کلاسی و تاریخ امتحانات پایان‌ترم ۲- پیگیری مشکلات به‌وجودآمده هنگام انتخاب واحد ۳- انتقال نظرات و شکایات دانشجویان درباره‌ی شیوه‌ی برگزاری کلاس‌ها و کیفیت تدریس استادها به معاون آموزشی

برای ذخیره‌ای، خبرهای خوبی هم برایتان دارم. یکی احداث «کارگروه ورودی‌ها» است که پاسخگوی پرسش‌های شما عزیزان باشد و دیگری یک دستگاه ایرهاکی که صنفی قبل، زحمت خرید آن را کشید و امید است دوران پس از کرونا از آن استفاده کنیم. و در آخر، فراموش نکنید به یاری سبزتان نیازمند هستیم تا عملکرد بهتری داشته باشیم.

واژه نامه



سید پارسا قزوینی،
ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک

راهنمای برای سردرآوردن از صحبت‌ها یک شریفی!

ساکنان شریف زبانی دارند، مخصوص به خودشان. ریشه‌ی این زبان دقیقاً مشخص نیست، اما قطعاً غریزه‌ی صرفه‌جویی در وقتشان نقش به‌سزایی در ایجاد این زبان داشته. در این متن، نگاهی انداخته‌ایم به تعدادی از عجیب‌ترین اصطلاحات جماعت شریفی.

لود: به میزان حجم درس، تمرین و پروژه بر واحد زمان گویند. لود با تعداد واحد رابطه‌ی مستقیمی دارد. البته این مورد برای درس ۱ واحدی صادق نیست. این سیستم درجه‌بندی کاملاً نسبی است.

رنگ: این موجود از درس تغذیه می‌کند و تمام سالمط‌های دانشگاه را برای یافتن بهترین، تست می‌کند. نمرات او شبیه دبستان بوده و در هر مکان و زمان از او انتظار شیرینی می‌رود. البته باز هم ما چیزی دریافت نکرده‌ایم!

سالمط: مکان مورد علاقه‌ی رنگ‌ها. سالمط یا سالن مطالعه در تمامی دانشکده‌ها وجود دارد. بحثی قدیمی بین علما درباره‌ی بهترین سالمط وجود دارد که هنوز به نتیجه نرسیده. نگارنده، شما را به امتحان کردن سالمط دانشکده‌ی م.شیمی دعوت می‌کند، البته بعد از حضوری شدن.

آش‌مک: یکی از مواردی که ورودی‌های ۹۸ به آن می‌بالند. درسی ۲ واحدی با نام «آشنایی با مهندسی مکانیک» که جمعی از استادها زحمت ارائه‌ی آن را کشیدند. کلاس‌های طولانی چندین‌ساعته اما جذاب، از ویژگی‌های آن است. در شایعات آمده که قرار است جای یکی از کارآموزی‌ها را بگیرد، که ان‌شاءالله در حد شایعه باقی می‌ماند.

گراز: گراز یا «گزارش آزمایش»، یکی از دلایل زیادشدن لود درس یک واحدی است. معمولاً در موعد تحویل آن‌ها اعتراضات فراوانی در توییت‌ر و تلگرام دانشجوها دیده می‌شود.

درس سرویس: به درس پایه‌ای که همه‌ی رشته‌ها باید پاس کنند، گویند. لطیفه‌ای رایج درباره آن وجود دارد مبنی بر این‌که: اسمش خیلی خوب انتخاب شده، حقیقتاً این درس سرویس، ما رو سرویس می‌کنن. این لطیفه معمولاً پس از امتحان یکی از این درس گفته می‌شود. دانشکده‌ی علوم ریاضی از معروف‌ترین ارائه‌دهنده‌های درس سرویس است. البته که گفته می‌شود ابهت این دانشکده در این درس از بین رفته است.

سایت: مکانی در دانشکده که پر از کامپیوتر است. ۹۰ درصد مواقع، محور (یا همان انجمن علمی دانشکده‌ی مکانیک) در آن کلاس برگزار می‌کند. این مکان در پاس‌کردن درس مبانی برنامه‌سازی نقش به‌سزایی دارد. هرگز در آن جزوه باز نکنید که مسئولش حساسیت خاصی به این مورد دارد.

شیب: از مکان‌های سمت شرقی دانشگاه که زحمت تامین عکس پروفایل‌های بسیاری را کشیده.

عبدس: کتابخانه و سالمط دانشکده‌ی فیزیک، عبدالسلام یا همان عبدس خودمان که بهترین جا برای خواب نیم‌روزی است. رسیدن به آن به‌وسیله‌ی پله‌ها، جهاد می‌طلبد اما به‌خنکای آن می‌ارزد. این مورد هم در نزدیکی امتحانات توسط دانشجوی‌های فیزیک اشغال می‌شود.

TA: ت‌ای یا TA، مخفف کلمه‌ی Teaching Assistant، همان دستیار استاد است. گونه‌های بسیار زیادی دارد. برخی صرفاً تصحیح‌کننده‌ی تمرینات و کویزها هستند. برخی برای خودشان یک‌پا استادند. کاربرد برخی هم همچنان در هاله‌ای از ابهام است. از قدیم، رسم بوده است که TA به دوستان نزدیکش شیرینی دهد. البته که ما هنوز چیزی دریافت نکرده‌ایم!



لوپ: معنای واقعی لوپ همواره مورد بحث بوده، اما همگان اتفاق نظر دارند که دانشگاه دارای ۳ فضای سبز گردماند ملقب به لوپ می‌باشد. لوپ مرکزی، مک‌لوپ (این مورد، روبه‌روی دانشکده‌ی خودمان است) و لوپ جلوی دانشکده‌ی مواد که گویا به آن لوپ مواد می‌گویند (گرچه نگارنده تا به حال چنین اسمی شنیده‌ا!).

مرمیز: کتابخانه‌ی معروف دانشکده‌ی ریاضی که به نام دکتر مریم میرزاخانی است. هرگز در زمان امتحانات، آنجا نروید که مانند من از آن بیرون می‌شوید (مگر اینکه دانشجوی دانشکده‌ی ریاضی و صنایع باشید).



مکت: فضای سبزی روبه‌روی دانشکده‌ی مرتفع کامپیوتر که نگارنده تا دقایقی قبل از نگارش متن از لفظش خبر نداشت. با این حساب، درباره‌ی علت این لفظ و ... هم نپرسید لطفاً!

دِلایِن: معنای این مورد را با یک سرچ ساده در گوگل ترنسلیت هم می‌یابید، اما برای درک مفهوم آن، نیاز به گذراندن چندین ترم دارید. از کلمات مرتبط با آن، می‌توان به CW، TA و رنگ اشاره کرد.

ابنس: یکی از میلیون‌ها کلمه‌ی مخفف در دیار شریف. ابنس یا ساختمان ابن‌سینا، مکان برگزاری بسیاری از کلاس‌های دانشگاه است. در افسانه‌ها آمده است که نسخه‌ی دوم آن به زودی افتتاح می‌شود، اما هنوز مشخص نیست این پیشگویی چه زمانی به حقیقت می‌پیوندد!



مُقَص: از مهم‌ترین درس دانشکده، مقص یا مقاومت مصالح است. برخلاف نظر تعدادی، این کلمه کاربرد بسیار گسترده‌ای دارد.

ریضمو: از درس معمولاً ترم ۴ دانشجوها که دانشکده‌ی ریاضی ارائه می‌دهد، ریضمو یا ریاضی مهندسی است.

روال: از پرکاربردترین کلمات در دانشگاه است. سعی شده جایگزین‌هایی برایش پیدا شود که فعلاً دو کلمه‌ی «اوکیه» و «حله» این زحمت را متقبل شده‌اند.

مجازیه؛ چه بخواهی، چه نخواهی!



علی جوکار،

ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک

معرفی سامانه‌ها و کانال‌های تلگرامی مهم

هیچ‌کدام از ما فکر نمی‌کردیم روزی باید با تلفن همراه و لپ‌تاپ و ... در کلاس‌های مدرسه و دانشگاه شرکت کنیم؛ اما ویروس کرونا باعث شد تا همه‌ی کلاس‌ها و امتحانات به صورت مجازی برگزار شوند. حال که کلاس‌ها مجازی هستند، باید با سامانه‌های مجازی و سایت‌های دانشگاه شریف کار کنید.

مهم‌ترین سامانه‌های دانشگاه شریف که باید با آن‌ها آشنا شوید:

شما می‌توانید آن‌ها را دانلود و مشاهده کنید. برخی از دروس این ترم نیز در حال اضافه‌شدن به آن هستند.

۴- edu.sharif.edu: این سایت شاید مهم‌ترین سایت دانشگاه باشد؛ چون تمام امور مربوط به ثبت‌نام، اعتراض به نمرات، دیدن کارنامه، درخواست‌های آموزشی و ... از طریق این سایت انجام می‌شود.

۵- www.sharif.ir: این سایت، سایت اصلی دانشگاه است. از طریق این سایت می‌توانید به اخبار دانشگاه، ایمیل اساتید و کارکنان (sina.sharif)، سایت‌های دانشکده‌ها و دیگر لینک‌های مرتبط دسترسی پیدا کنید.

کانال‌های تلگرام دانشگاه شریف:

۱- دانشگاه صنعتی شریف ([sharif_prm](https://t.me/sharif_prm)): مهم‌ترین اخبار دانشگاه و اعلان برگزاری رویدادها در این کانال قرار می‌گیرد.

۲- آموزش دانشگاه شریف ([edu_sharif](https://t.me/edu_sharif)): اخبار و اطلاعات آموزشی که به سایت edu.sharif.edu مربوط هستند، در این کانال قرار می‌گیرند.

۳- روابط عمومی دانشکده مکانیک ([PRM_Mech](https://t.me/PRM_Mech)): اخبار دانشکده مهندسی مکانیک روی این کانال قرار می‌گیرد.

۴- انجمن علمی مکانیک و دریا - محور ([mehvargroup](https://t.me/mehvargroup))

۵- بخش علمی محور ([Mehvar_scientific_section](https://t.me/Mehvar_scientific_section))

۶- خبرنامه‌ی مکانیک شریف، خمش ([khamesh_mehvar](https://t.me/khamesh_mehvar)):

نشریه‌ی دانشکده‌ی مهندسی مکانیک و دریا

۷- تاک تایم ([talk_time_mehvar](https://t.me/talk_time_mehvar)): سلسله جلسات بحث و

گفت‌وگو به زبان انگلیسی

۸- شورای صنفی دانشگاه شریف ([sharif_senfi](https://t.me/sharif_senfi)): اخبار و

اطلاعه‌های مربوط به شورای صنفی دانشگاه را منتشر می‌کند.

۹- شورای صنفی دانشکده مکانیک ([sharif_senfi_ME](https://t.me/sharif_senfi_ME)): اخبار و

اطلاعه‌های مربوط به شورای صنفی دانشکده را منتشر می‌کند.

۱۰- کتابخانه و مرکز اسناد شریف ([sharif_library](https://t.me/sharif_library)): این کانال،

کانال رسمی کتابخانه مرکزی دانشگاه شریف است.

۱۱- نامه مکانیک شریف ([namehmech](https://t.me/namehmech))

۱۲- مهمات شریف ([sharif_ie](https://t.me/sharif_ie)): جزوه‌ها و کتاب‌ها

۱۳- دروس پایه دانشکده علوم ریاضی ([math_basic_courses](https://t.me/math_basic_courses))

۱۴- ورزش شریف ([sharifsport](https://t.me/sharifsport))

۱۵- روزنامه شریف ([sharifdaily](https://t.me/sharifdaily))

۱- [vcalss.ir](http://vcalss.vcalss.ir): این سامانه محل برگزاری کلاس‌های مجازی دانشگاه در بستر skyroom است. لینک کلاس‌ها از طرف استادها برای شما ایمیل می‌شود و شما باید روی لینک زده و وارد کلاس شوید. برای ورود نیز باید گزینه‌ی مهمان را انتخاب کنید. در کلاس نیز اگر می‌خواهید صحبت کنید، می‌توانید روی علامت دست کلیک کنید تا به بالای لیست بیاید و استاد میکروفون شما را روشن کند. شیوه‌ی دیگر ورود به کلاس‌ها از طریق سایت cw.sharif.edu است که در بخش بعد درباره‌ی آن توضیح می‌دهیم.

۲- cw.sharif.edu: این سایت برای بارگذاری فایل‌ها، تمرین‌ها، برگزاری آزمون‌های آنلاین، ورود به کلاس مجازی و ... است. پس از ورود به سایت، با کلیک روی گزینه‌ی ورود به صفحه‌ی شخصی و واردکردن نام کاربری (شماره دانشجویی) و رمز عبور (در ابتدا کد ملیتان است که می‌توانید آن را تغییر دهید). می‌توانید وارد صفحه‌ی شخصی خود شوید. سپس، می‌توانید درس‌های خود را مشاهده کنید و با کلیک روی هر درس وارد صفحه‌ی آن درس شوید. در اینجا می‌توانید تمرین‌ها و کوئیزها را مشاهده کنید و با ورود به تمرین و کلیک روی گزینه‌ی ارسال پاسخ، فایل مورد نظر خود را بارگذاری کنید. برای کوئیزها نیز باید موقع بازشدن آزمون، وارد آن شوید و پاسخ خود را ارسال کنید. در بخش پایین هر درس نیز می‌توانید وارد کلاس مجازی آن درس شوید.



۳- ocw.sharif.edu: این سایت، درس‌افزار آزاد شریف محسوب می‌شود و فیلم‌های برخی دروس که سال‌های گذشته ارائه شده‌اند، در این سایت قرار دارند.

اولین ورودی کرونا

ترم اول و سخته‌ها و لذت‌هاش



علی بوالحسنی، ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک

کنکور رو دادم، راحت شدم؟!

میرم دانشگاه، حجم دروس کمتر میشه؟!

دانشگاه راحت‌تره؟!

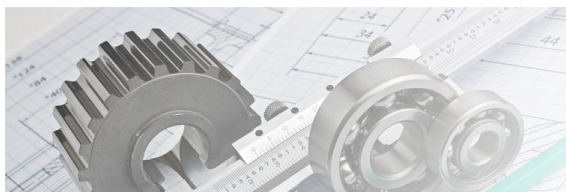
وقتی بری دانشگاه، دیگه رفتی؟!

و از این دست جمله‌هایی که همه‌ی ما، بعد از دادن کنکور گفتیم! غافل از اینکه دانشگاه هم سختی‌های خودش رو داره؛ کتاب‌های پر حجم، منابع کم‌پیدا، دروس مفهومی‌تر، جزوه‌نویسی بیشتر، هیچ فرمول و نکته‌ی طلایی وجود نداره، کتابچه‌ی خیلی سبز و گاج و قلمچی وجود نداره، درس رو باید کامل و با تمام وجودت درک کنی، تمرین انجام بدی و جزوه بنویسی. ترم یک، خاص‌ترین ترم چهار سال درس‌خوندن شماست؛ چون دوران مدرسه تمام شده، شما از نظر درسی در حال مستقل‌شدن هستید، در حال تغییر هستید و در حال شروع کردن راه جدیدی در زندگی علمی هستید. دروسی که معمولاً در این ترم ارائه میشه عبارت است از: ریاضی ۱ (۴ واحد)، فیزیک ۱ (۳ واحد)، شیمی ۱ (۳ واحد)، نقشه‌کشی مهندسی مکانیک (۳ واحد)، آزمایشگاه فیزیک ۱ (۱ واحد)، آشنایی با ادبیات فارسی (۳ واحد)، زبان انگلیسی (۳ واحد)، تربیت بدنی (۱ واحد)، مبانی برنامه‌نویسی (۳ واحد)

هر دانشجو در این ترم، بین ۱۶ تا ۱۹ واحد داره. دروس ریاضی ۱ و فیزیک ۱، برای همه‌ی دانشجویان اجباریه. دروس بعدی، مثل شیمی و ...، به صورت کاملاً تصادفی بین دانشجویان تقسیم میشه. با توجه به درس‌هایی که دارید، توضیحات مربوط به هر درس رو بخونید. ترسناک ولی دلنشین (ریاضی ۱):

درس ریاضی یکی از چالش‌برانگیزترین دروس ترم اوله، چون درسیه که باید جدی بگیریدش تا بتونید نمره‌ی خوبی رو ازش بگیرید. سال پیش منبع این درس، کتاب «ریاضی عمومی دکتر شهشانی» بود. این کتاب، نسبت به سؤرس‌های دیگه، قضایای ریاضی رو مفهومی‌تر اثبات کرده که به یادگیری بیشتر در این زمینه کمک می‌کنه. منبع دیگه برای این درس، کتاب «آدامز» است.

این کتاب، بیان ساده‌تری داره و برای یادگیری بسیار مفیده. بسته به توانایی خودتون در زمینه‌ی یادگیری و همچنین، معرفی کتاب از طرف استاد، می‌تونید از این دو کتاب به‌طور همزمان استفاده کنید. کتاب کمکی سوم هم به نام «۷۰۷ ریاضی عمومی یک» هست که برای تمرین آموخته‌ها بسیار مفیده. این کتاب پر از تمرین‌های مختلف در مباحث مختلف، از امتحانات دانشگاه‌های مختلف سراسر کشوره. همچنین کلاس‌های ضبط‌شده‌ی این درس در سایت OCW موجوده که برای یادگیری بهتر می‌تونید ازشون استفاده کنید. سعی کنید ریاضی رو درک کنید، نه اینکه حفظ کنید! برای یادگیری بهتر می‌تونید ازشون استفاده کنید. سعی کنید ریاضی رو درک کنید، نه اینکه حفظ کنید!



F=ma (عشق مکانیک (فیزیک ۱):

درس فیزیک ۱ یکی از بهترین درس‌های ترم یک. این درس، پایه‌ی مهندسی مکانیکه. بسیاری از مباحث این درس، در ترم‌های بعد مورد استفاده قرار می‌گیره. پس لازمه این درس رو به‌خوبی یاد بگیرید. منبع این درس، «فیزیک هالیدی، جلد اول، مکانیک و گرما» است که درسنامه‌های کامل و مختصری داره، همراه با تمرین‌های کاربردی که در چند سطح دسته‌بندی شده‌اند. این درس هم، مثل ریاضی ۱، ویدیوهای ضبط‌شده‌ای در سایت OCW داره که می‌تونید برای یادگیری بهتر اون‌ها رو تماشا کنید. فیزیک را با عشق بخوانید!

مهم غیرمهم (شیمی ۱):

شیمی عمومی یکی از دروسیه که در مکانیک نقش موثری نداره، ولی به دلیل سه‌واحدی‌بودنش، در تعیین معدل بسیار موثره. سعی کنید با این درس مدارا کنید و به خوبی بگذرونیدش تا معدل‌تون آسیب نبینه (دیدم که میگم!). منبع این درس، کتاب «شیمی عمومی دکتر باقرزاده» است که کتابی با درسنامه‌های به‌شدت کم و مطالب بسیار زیاده. ولی توصیه‌ی من، روخوانی درسنامه و حل تمرین‌هاشه؛ چون با یادگیری تمرین‌هاش، درس رو خودبه‌خود یاد می‌گیرید. نمره‌بیار رو بخونید!

دستی یا سالید؟ مسئله این است... (نقشه‌کشی مهندسی مکانیک):

این درس، اولین درس اصلی دانشکده‌ای شماست، که بسیار هم مهمه. علاوه بر اینکه پیشنهاد دروس بسیار مهم «طراحی اجزا» است، برای طراحی قطعات و تجسم ابزار در مهندسی مکانیک هم بسیار اهمیت داره. این درس به دو بخش دستی و نرم‌افزار تقسیم میشه که هر دو به‌شدت مهم و موردنیازن؛ مخصوصاً قسمت نرم‌افزار که نرم‌افزار «سالیدورکس (Solidworks)» است. یادگیری این نرم‌افزار، یکی از اصلی‌ترین قدم‌های یک مهندس مکانیکه. کتاب این درس، کتاب «نقشه‌کشی صنعتی دکتر متقی‌پور» است.

بنویس، بنویس، اندازه بگیر (آزمایشگاه فیزیک ۱):

این درس یکی از دروسیه که برای اون، باید نوشتن گزارش کار و دست‌به‌نوشتن قوی باشه. این درس وقت به شدت زیادی رو ازتون می‌گیره، ولی خب، یک نوع تجربه‌ی علوم فیزیک و اثبات آن‌ها به‌صورت عملیه.

ای بی‌خبر بکوش که صاحب‌خبر شوی (ادبیات):

درس ادبیات، یکی از دروس نمره‌بیار و لذت‌بخش محسوب میشه؛ چون می‌تونی فارغ از غوغای جهان، به خوندن و تفسیر اشعار حافظ و رودکی و مولوی و سعدی پردازی و لذت ببری و بعداً از این اشعار در تنهایی‌های خودت استفاده کنی. غبار غم برود حال خوش شود...

ادبیات را برای دلت بخوان!

So what? (زبان خارجی):

این روزها زبان یکی از مهم‌ترین ارکان ارتباطات در جهان، جدیش بگیرید. منبع این درس، کتاب «inside reading ۴» است که یکی از کتاب‌های سطح پیشرفته حساب میشه. کتاب با محتوا و خوبیه و کلمات و متن‌های بسیار قوی و به شدت پرمحتوایی داره. زبان یکی از ارکان اصلی زندگی در جامعه‌ی جهانی است!

۱۰۱۰۱ (برنامه‌نویسی):

برنامه‌نویسی یکی از دروس به‌شدت مفید و لازمه. زبان برنامه‌نویسی که در این درس آموزش داده میشه، C است. منبع این درس کتاب «دایتل و دایتل» است که کتاب قشور و جامعیه. این درس از جمله دروسیه که می‌تونه براتون بسیار پرکاربرد باشه. دنیای صفر و یک‌ها، دنیای آینده است!

پله/درازنشست/طناب/دو (تربیت بدنی):

تربیت بدنی یکی از دروسی است که دارای دو جنبه برای ماست؛ یکی معدل و اینکه به‌هرحال، ۱ واحد از ۱۴۰ واحد دوره‌ی کارشناسی ماست. دوم اینکه برای سلامت جسم و روح ما نیازه. علاوه بر این‌ها، مانع از تبلی بدن هم میشه. با توجه به شرایط کلاس‌های مجازی، این درس را در خانه می‌مانیم و در خانه ورزش می‌کنیم! سالم و تندرست، با تربیت بدنی!

کرونا چالش‌های زیادی در برابر ما قرار داد، اما ما مردم دنیا، با تلاش از این بحران هم عبور خواهیم کرد. تنها چیزی که باید داشته باشیم، امید. ترم یک رو با تلاش بخونید، امیدتون رو از دست ندید و توکل رو فراموش نکنید!

ترش شیرین...



نیما رستگار، ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک

از زمان انتخاب رشته تا روز ثبت‌نام، مغزمان سندان‌ی بود که بارها چکش «دانشگاه خبر خاصی نیست!» محکم بر آن کوبیده می‌شد. با آنکه ذوقی برای واژه‌ی «دانشگاه» نبود، اما فرار به‌سوی استقلال، محیط و سبک زندگی جدید و دوباره تکرار بعد از آن، جویی باریک بود که در چشم تشنه‌لبان گذرنده از صحرای یکنواختی کنکور، به بزرگی دریایی برای آب‌تنی چندساله دیده می‌شد. اما تقابل واقعیت و رویاها، همواره خوشایند نیست. ماه اول دانشگاه پر از تغییر و احساسات متناقض و در عین حال بدون خبری خاص بود؛ پر از خالی! گنگ‌بودن مفاهیم و رخنه‌ی نیهیلیسم بر تفکرات، رفتارها و گفتارها، درک اتفاقات پیرامون را دشوار می‌کرد؛ باتلاقی که انسان درون آن از غرق‌شدن خود آگاه نیست. بحثی از فشار درس و میان‌ترم ریاضی ۱ و جذابیت نقشه‌کشی درمیان نبود؛ جهانی پوچ از درک‌شدن عاجز است! شاید بهترین مخدر، تلاش برای رهایی‌یافتن دهانی بود

سردرگمی در میان بعضی کتاب‌های کمیاب طبقه‌ی سوم کتابخانه‌ی مرکزی، درهم‌فشرده‌ی افراد در سالن مطالعه‌ی دانشکده، سقف‌های کوتاه و دیوارهای ساختمان قدیمی دوست‌داشتنی مکانیک که کمابیش مشابه آخرین پناهگاه هیتلر در برلین است، طعم خوشایند جمعی غذاخوردن در چمن‌های بین ابنس و سلف و شرکت در جلسات دفتر مطالعات فرهنگی، آوازخواندن شب‌هنگام و تلاش برای زودرسیدن به کلاس‌های تالاری ریاضی ۱، هیچ‌کدام در هیچ‌یک از ماه‌های دیگر رنگ واضحی نداشتند. ترشی گنگ‌بودن جهان‌بینی و بی‌معنایی آن برهه، امروز یکی از شیرین‌ترین یادگاری‌هاست؛ ثانیه‌هایی که معنای آن‌ها در لحظه نامشخص بود و حال، عمیق‌ترین بخش وجود سبک زندگی جدید را شکل می‌دهد. خط سیری از منش تحصیل و ورزش و لبخندها و سخنان فلسفی در راه خوابگاه، دوگانگی بازگشت و استراحت یا ماندن و پی‌فعالیتی بودن، فراموشی رزرو غذا و عصبانیت هنگام شلوغی صف سلف و سعی یافتن بستری که بتوان شکوفه‌ی آنچه درون خود پرورنده‌ایم را نوازش کنیم. اولین ماه پاییزی اولین ترم دانشگاه موهوم‌ترین زیبایی‌ها و زیباترین موهوم‌ها را نشان داد، شروع تدریجی یک رویا...

که رفتم لابرای فعالیت‌های رنگارنگ دانشجویی، این عدد معدل به صورت نزولی اکید (!) پایین آمد. راستی این معدل عددی بیش نیست، درست را که بخوانی خودش بالا می‌آید. بین خودمان بماند، دو ماهی طول کشید تا در مکانیک آرام بگیرم. هوای تغییر رشته به کامپیوتر، صنایع یا حتی بیوتکنولوژی (دانشگاه تهران) در سرم می‌چرخید، ولی حقاً مکانیک خودش بود. راستش در کل ترم اول، همین که بتوانم در دانشگاه خودم را پیدا کنم و رشته‌ام را بشناسم، همین که با دوستانی مشتاق جمع شویم، همین که دریابم دنیای «معلم و ناظم و زنگ تفریح» دیگر تمام شده، کافی بود. غیر از درس، فقط ورزش بود و مطالعات اعتقادی که لازمش می‌دانستم؛ برای پرسش‌های مهمی که هنوز جوابی نگرفته بودند...

رنگارنگ

یادم هست همان روزهای اول دانشگاه، نمایشگاهی راه انداخته بودند که در هر غرفه یک گروه دانشجویی خودش را معرفی می‌کرد. رنگارنگ بود. همان روز عصر، بعد از پایان کلاس‌ها، کوله‌ام را نصفه‌نیمه انداختم پشتم و رفتم «آمی‌نتاثر مرکزی» و بنا کردم به تماشای مستندی درباره‌ی «شهرسازی»! این اولین مشارکتم بود در برنامه‌های دانشجویی، ترم یک که گذشت و درسم از آب و گل درآمد، کم‌کم پایم باز شد به کانون‌های فرهنگی و علمی و صنفی و هیأت؛ سفرهایی رفتم به شمال و جنوب و مشهد و بلوچستان. حقاً هرکدامش فرصتی ناب بود برای رشد، در کنار دانشجویانی که «مثل تو»، مشتاق و لایق‌اند...

که همان کلمات به‌هم‌ریخته‌ی سلول‌های خاکستری ذهن را مرتب کرده و با معنی گم‌شده‌اش بیان می‌کند. نه قدرت پنهان آن چیزی بود که بود و هیچ بود، و نه زبان بیان آن. زمان‌های خالی به جمع‌شدن‌های دوسه‌نفری و تمرین تیم والیبال در سالن جباری و یا قدم‌زدن از پایین به بالای دانشگاه و یا گاه کتاب‌خواندن جلوی دانشکده‌ی هوافضا ختم می‌شد. کارهایی که شاید بامعناتر از هر کار دیگری در آن گذار بود. اما با گذشت یک‌سال از آن روزها، گویی هیچ دوره‌ای بهتر از همان ماه اول را برای مرور خاطرات نمی‌توان یافت. از کلاس‌هایی که شنبه تا سه‌شنبه تا ساعت ۷ عصر طول می‌کشیدند و پس از آن‌ها، آرامش و تاریکی زیبای ساختمان‌های سرخ تیره‌ی دانشگاه، قلاب جسم را می‌کشید و ساعت‌های گذران جمعی با دوستان روی چمن مرکزی و میک‌لوپ را همچون ثانیه‌ای می‌نمایاند و مسیر خوفناک برگشت به خوابگاه را به ارمغان می‌آورد که بیان‌نشده، اکثریتی را با هم همراه می‌کرد؛ مبادا که تاریخ پاسخ بی‌توجهی آن‌ها را بدهد! شرکت در کلاس دکتر شفیعی‌کدکنی در دانشگاه تهران (به قیمت ازدست‌دادن جلسه‌ی اول کارگاه)،



لعنت به کرونا!

دانشگاه هرسال سنت خوبی داشت برای ورودی‌ها: «اردو ورودی‌ها» سفری حدوداً هزارنفره به مشهد مقدس. ما هم چند روز مانده به شروع ترم، از حضرت سلطان (ع) مدد گرفتیم برای این فصل از زندگیمان. خوبی‌اش این بود که پیش از شروع ترم با هم‌دانشکده‌ای‌ها آشنایی و رفاقتی به هم زدیم. کرونا که آمده، همه‌چیز را مجازی کردند؛ ولی این یک قلم را به گمانم دیگر نمی‌شود.

دانش‌جو باش

اهمیتش را دست کم نگیرید: «زمان‌های خالی بین کلاس‌ها» چه برای درس، چه برای تفریح، چه برای ورزش. کلاس‌های صبح که تمام می‌شد دوره‌م و دسته‌دسته می‌رفتیم ناهار و مسجد. سال‌بالایی‌هایمان چه خوش گفته بودند: «ترم‌اولی بنشین درست را بخوان. بگذار دوران تحصیلت را قوی شروع کنی.» ساده است؛ نه؟ ولی اگر بدانی هرسال چندصد نودانشجو همین ریاضی را می‌افتند، کمی سخت می‌شود. من که آن اوایل پسر حرف‌گوش‌کنی بودم، درسم را چسبیدم و انصافاً خوب کردم. این شد که اصلاً افتادم روی ریل معدل خوب. هرچند ترم‌های بعدش که

مثل تو

من هم پنج سال پیش، ورودی بودم



علی لطفی، ورودی ۹۴ مهندسی مکانیک

رتبه‌ی کنکورت که خوب باشد، انگار روی پیشانی‌ات می‌زنند: «دانشجوی شریف!» امروز روز موعود است: شنبه ۲۸ شهریور ۹۴. ظاهراً با صبح‌های مدرسه تفاوتی ندارد؛ اما شوقی در دل دارم. من حالا «دانشجو» هستم. در edu -که راستش را بخواهید اصلاً از سروش‌کلش خوشم نیامده- نوشته بود: «ریاضی عمومی ۱، شنبه و دوشنبه، ۹ تا ۱۰:۳۰، تالارا». یکی دو دقیقه از گذشته بود که رسیدم دانشگاه. سراسیمه سراغ تالارها را گرفتم. دانشجویی راحت و آرام می‌گذشت. نشانم داد و رفتم. مؤدب و یواشکی در کلاس را باز کردم. کلاسی بود به سبک سالن سینما و حدود دویست جفت چشم مشتاق، به استاد و آنچه روی تخته می‌نوشت، دوخته شده بود. سرب‌به‌زیر رفتم تا ته سالن و نشستم. بیشتر از حرف‌های استاد که از اعداد گویا و گنگ می‌گفت و ابداً برایمان تازگی نداشت، هوایی دانشگاه بودم. راستش را بخواهید به نظرم ریاضی در کل یک ماه اول، هیچ حرف تازه‌ای ندارد. همین شد که بچه‌ها رهایش کردند تا خود میان‌ترم... و همین شد که در آن نیمه‌های شب امتحان، دفتر و کتاب را کنار گذاشته و برای رهایی دست به دعا شدند! داستان واقعی است خوبان، شاید برای شما هم اتفاق بیفتد! بگذریم... آن روز اول، همه‌مان مثل هم بودیم. جدی‌ج‌دی آمده بودیم «شریف».

نیروء فوق العاده!



فاطمه زرگرباشی، ورودی ۹۲ کارشناسی
و ۹۷ ارشد مهندسی مکانیک

پنج سال پیش بود که به همراه پدر و مادرم برای ثبت نام در دانشگاه به تهران آمدم. فضای جدید، آدم های جدید، محل زندگی جدید، همه چیز تازه و نو بود. من هم پر از انرژی و آرزو و آماده برای فتح قله های بزرگ بودم. ترم و درس ها شروع شد. طبیعتاً مدتی طول کشید تا با روال درس ها آشنا شوم و روی دور بیفتم. این مدت که تمام شد، احساس کردم که خواندن این درس ها به تنهایی نمی تواند مرا مهندس خوبی کند. باید کارهای دیگری هم انجام دهم تا یاد بگیرم و تجربه کنم. به استاد راهنمایم ایمیل زدم و خواستم حضوری صحبت کنیم (یاد آن دوران گیرکرونایی به خیر!). می دانستم ممکن است دانش فعلی من به اندازه ی اینکه بتوانم در پروژه های فعالیت کنم، نباشد؛ اما آن قدر اشتیاق داشتم که حاضر بودم هر چیزی را یاد بگیرم تا کار محول شده به خودم را انجام دهم؛ حتی حاضر بودم جولوجو درس های ترم های آینده را بخوانم. مسئله ام را با استاد درمیان گذاشتم. گفت: «درس هایت را بخوان!» - درس هایم را هم خوب می خوانم ولی باز هم وقت اضافه دارم. - پس ترم بعد واحدهای بیشتری بردار. - استاد، حالا اگر بخواهم یکی دو سال دیگر در پروژه های شرکت کنم، چه چیزی نیاز دارم؟ می توانم از الان آن ها را یاد بگیرم. - [باسردی]: خب برو نرم افزارها را یاد بگیر.

ترازوها نامیزان

شریفه ها در چه ترازوی می سنجند و
سنجیده می شوند؟



مریم عراقی، ورودی ۹۵ مهندسی مکانیک

از همان زمان که با ترازوهایمان سنجیده شدیم و گاه و بی گاه پتکی بر سر بچه های مردم شدیم که «فلانی را ببین چه بچه ی خوبی است و درسش را خوب می خواند»، یک جای کار می لنگید. اما کار برای خود ما جایی بالا گرفت که آمدم دانشگاه و در مواجهه با فرصت های بی شمار دیگر - به جز درس - و همچنین مواجهه با رقابت سهمگین با بهتران از خودمان، به وادی شک افتادیم که: هدف واقعاً درس خواندن است یا چیزهای دیگر؟ وقتی در دوراهی حال خوب و نمره ی خوب میفتی ممکن است وسط پروژه ی دورعلی* بگذاری و بروی کوه! یا چنان اینرسی ای در تو ایجاد شود که اصلاً میل به درس نکشد و هر کاری بکنی که درس نخوانی. اینجاست که به خودت می گویی: «واقعاً چه چیزی ارزش صرف کردن عمر را دارد؟»

درس کیلوی چند؟

در یادنامه ی ورودی های ۹۵ (یادنامه چیزی است که هنگام فارغ التحصیلی، ورودی های یک دوره - مثلاً ۹۵ های مکانیک و دریا- برای خودشان تهیه می کنند و

این پاسخ استاد، هرچند، بخش یادگیری نرم افزارهایش توصیه ای حقیقی و مفید بود، اما با چنان دید سرد و دست کم گیرانه ای به من گفته شد که مانند آب یخ، تا مدتی اشتیاقم را فرونشاند. به واسطه ترم دو که رسیدم، باز هم آن انرژی و انگیزه ی فوق العاده ام باعث شد برای درخواست ملاقات استاد دیگری اقدام کنم. با دوستم به آنجا رفتیم و درباره ی مشکلات خودرویی کمی صحبت کردیم؛ ولی از آنجا هم توصیه ی دندان گیری برای حال فعلی خودمان دریافت نکردیم. این باعث شد باز هم تا مدتی سراغ این قضایا را نگیرم و اشتیاقم خیلی کم شد. سال دوم به بعد، به مسابقه هایی که در دانشگاه برگزار می شد، روی آوردم و حقیقتاً تجربه های بی نظیری در آن ها کسب کردم. سال سوم، بار دیگر با ناامیدی به سراغ یکی دو تا استاد رفتم؛ ولی این دفعه خیلی تحویل گرفته شدم! انگار اکثر استادها به همکاری با دانشجویهای سال اولی علاقه ای ندارند؛ اما به سال سوم ها و چهارمی ها چرا! خب من هم شروع به همکاری در پروژه ها کردم. آنجا بود که فهمیدم سال اول به سراغ استادها ی مناسبی نرفته بودم و گرنه استادانی بودند (البته معدود) که برای دانشجویهای سال اولی هم تره خرد بکنند و تحویلشان بگیرند. آن برخورد استادها ی سال اول، باعث شده بود که من آن اشتیاق فوق العاده که حاضر بودم کارهای سختی را به خاطرش انجام دهم، از دست بدهم. بعدش هم فعالیت داشتم؛ اما با انگیزه ی معمولی و با تلاش معمولی! البته همین فعالیت ها هم برای غنی کردن رزومه ام عالی بودند؛ اما چه چیزی ارزش این را داشت که من آن نیروی فوق العاده ام را از دست بدهم؟ هیچ چیز! بله، درس خواندن هم مهم است؛ چون همین درس ها، پایه ی فعالیت های بعدی اکثر مهندسان مکانیک هستند؛ اما خلاصه کردن هدف دانشجوی در درس خواندن؟ موافق نیستم. نیروی عظیمی در دل تکتک دانشجویهای جوان سال اولی وجود دارد که می تواند به کارهای بزرگی بیانجامد؛ البته اگر ناامیدی را به سراغشان نیاوریم. ورودی های ۹۹ عزیز، ورودتان را به عرصه ی جویندگی دانش تبریک می گویم. راه شما تازه آغاز شده و امیدوارم با نشاط و سرزندگی در آن پیش بروید. به خدا توکل کنید، به توانایی هایتان باور داشته باشید و با عزت نفس جلو بروید. نگذارید هیچ فرد و هیچ شرایطی امیدتان را بدزدد. نیروی عظیم درونیتان را فعال کنید. از دانشجوییتان لذت ببرید و قله ها را فتح کنید. به سرزمین فرصت ها خوش آمدید.



در آن چند جمله ای برای هر کدام از هم ورودی هایشان می نویسند) خیلی از دوستان به بنده لطف داشتند و اشاره کرده بودند که ابتدا پی درس و نمره و رنک بوده ام؛ اما بعداً به راه راست هدایت شده ام! توی همین شریفش هم بچه ها کم کم می فهمند که کار درست چیست. در واقع می گویند در کارشناسی آن قدر از این شاخه به آن شاخه پیر تا کاری که تو را راضی می کند پیدا کنی! در این حین ممکن است کمتر روی شاخه ی اصلی - همان درس دانشگاه - توقف کنی که پیامدهایی دارد، مثل افت معدل که برای من هم رخ داد.

از گلی من دستانو بردار!

این کاهش معدل هم وبالی شده بود. کاملاً زیر ذره بین استاد راهنمای دلسوز خود بودم و یک قدم از حد و حدود ایشان فراتر نمی توانستم بگذارم. خیلی از موقعیت هایی که در دانشگاه بخواهید تصاحب کنید، اولین چیز به معدل شما نگاه می کنند: برداشتن پروژه با اکثر استادان، شرکت در انتخابات انجمن علمی، قبولی در ارشد مستقیم. در خانواده هم معدل دستاویزی شده بود برای جواب به ادعاهایی چون: «من دیگر راهم را پیدا کرده ام و می خواهم فلان کار را بکنم.» جوابش هم این بود: پس چرا معدل این قدر پایین آمده است؟ و هر چقدر شما صغری و

کبری بچینید که «مادر/پدر جان! کی گفته است که همه باید معدلشان بالا باشد، مدرک ارشد و دکتری داشته باشند و ...؟!» فایده‌ای ندارد. در اینجا متوجه این واقعیت می‌شویم که هرکس شب امتحان فاز روشنفکری به خود بگیرد و به امتحان و دنیا و مافیها بی‌اعتنا شود، پای لرزش هم باید بنشیند. این است که باید تعادل برقرار کنیم. (یا پای لرز هر چه هست بنشینیم!) شریفی بازی

شاید شما هنوز این حس را نداشته باشید؛ اما طی اتفاقاتی، بسیار محتمل است که حس کنید انسان‌های کاردرست، خارج از سیاره‌ی شریف زندگی نمی‌کنند! همیشه فکر می‌کردم که به نسبت، شریفی متواضعی هستم که غیرشریفی‌ها را آدم حساب می‌کنم! روز اولی که سر کار رفتم، در معارفه‌ی تیم، اسم دانشگاه تکتک بچه‌ها را پرسیدم! می‌دانید آدم چه وقت چنین کاری می‌کند؟ وقتی که جز دانشگاهش چیزی برای عرضه نداشته باشد. من هم به‌عنوان یک تازه‌وارد همین حالت را داشتم، اما به جای اینکه متواضعانه این را بپذیرم، اسم شریف را سیر کرده بودم جلویم. خب بچه‌های تیم هم به جز سه نفر که دو نفرشان ارشد آمده بودند شریف، بقیه شریف نبودند، حتی خیلی‌هایشان اصلاً به آن صورت دانشگاه نرفته بودند؛ ولی خیلی آدم‌های باتجربه و کاردرستی بودند. باید اعتراف کنم که امسال با عمق وجودم فهمیدم که چقدر رتبه‌ی کنکور و در نتیجه دانشگاه محل تحصیل آدم‌ها، مرز بیخودی است که دور خودمان و یا سایر آدم‌ها می‌کشیم و به این بهانه از بسیاری از انسان‌های خوب و مفید، خودمان را بی‌بهره می‌کنیم. سخنرانی دکتر مشایخی در شریف‌سلام را نمی‌دانم شنیدید یا نه، ولی من به‌شخصه یک توشه‌ی پر و پیمان از حرف‌های ایشان در همین راستا برداشت کردم.

زندگی خوابگاهی خیلی متفاوت از چیزی که دیگران برایم تعریف کرده بودند، خودش را نشان می‌داد. هنوز هم اولین روزی را که به خوابگاه رفتم به‌خوبی به خاطر دارم. فکر نکنم هیچ‌وقت آن‌روز یا بقیه‌ی روزهایش را فراموش کنم. اتاق‌هایی که فکر می‌کردم قرار است خیلی کوچک یا حتی بی‌امکانان باشند، خیلی بهتر از تصورم بودند؛ با امکانات خوب و فضایی بزرگ. از فضای بیرون خوابگاه برایتان نگویم که خودش به‌تنهایی داستان درازی دارد. باغچه‌های بزرگ و سبز و درختان سربه‌فلک‌کشیده و حیاطی بزرگ با دوچرخه‌هایی که در یک گوشه چشمک می‌زدند. فروشگاه‌ی بزرگ از مواد غذایی که تقریباً هر چیز نیاز داشتی در آن پیدا می‌کردی. سالن مطالعه‌ای بزرگ و کتابخانه‌ای پر از کتاب‌هایی که همه طیف وسیعی بودند از کتاب‌های دانشگاهی و مورد نیازمان. نمازخانه‌ای گرم و سالن ورزشی بزرگ و مجهز که جان می‌داد برای تفریح و فوتبال‌دستی بازی کردن! اما جدای همه‌ی این‌ها، مهم‌ترین قسمت، زندگی‌کردن و سهیم‌شدن یک اتاق با عده‌ای دیگر بود. نمی‌توانم برایتان توصیف کنم که چه خاطرات خوبی از آن‌روزها در ذهنم باقی است. دوستانی که آنقدر مهربان و خونگرم بودند که در کنارشان احساس تنهایی نمی‌کردی. دوستانی که با آغوش باز از سبک زندگی مختلفشان، لهجه‌شان، اصطلاحاتشان برایت می‌گفتند و منتظر می‌نشستند تا برایشان از شهر و دیارت تعریف کنی. چه درس‌ها و امتحاناتی که با هم گذرانیدیم و چه غذاهایی که با هم نپختیم و چه خنده‌هایی که با هم داشتیم. الان که به آن‌روزها فکر می‌کنم، به گمانم شاید ترس‌هایم منطقی بودند؛ اما اتفاقاتی که افتاد فراتر از خوب بود. امروز مطمئن هستم دلم برای روزی که دیگر قرار نباشد در خوابگاه زندگی کنم تنگ خواهد شد. دلم برای همه‌ی دوستی‌ها و خوشگذرانی‌ها و بیدارماندن‌هایمان تنگ خواهد شد. خلاصه که تکتک این لحظات خاطرات خوبی بودند و تا مدت‌های زیادی در ذهن باقی خواهند ماند.

تصور تو از خوابگاه

زندگی خوابگاهی چگونه است؟



نگین نصیریان،
ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک

«اسامی خود را در گروه‌های چهار یا شش‌نفره اعلام کنید تا با قرعه‌کشی، شماره‌ی اتاق‌هایتان مشخص شود.» شنیدن تعداد نفرات در هر اتاق مثل آب سردی بود که قرار بود روی سرم بریزند. باورم نمی‌شد قرار است یک اتاق را با چندین نفر دیگر شریک شوم. فکرکردن به این موضوع برایم دلهره‌آور بود. منی که همه‌ی عمرم یک اتاق جدا داشتم، حالا باید با عده‌ای که نمی‌شناختم یا آشنایی کمی داشتم در یک اتاق کوچک زندگی می‌کردم. جدا از این، قرار بود با تعدادی دانشجو از شهرهای مختلف و با فرهنگ‌های مختلف زندگی کنم. ترس برم داشته بود که نکند نتوانم به‌خوبی با آن‌ها ارتباط برقرار کنم یا حتی نتوانم دوستان خوبی برای هم باشیم. فکرکردن به تنها زندگی‌کردن و دور از خانواده‌بودن هم بخش بزرگی از ذهنم را به خودش مشغول کرده بود. غذا درست‌کردن، لباس‌شستن و همه‌ی کارهایی که یک زمانی به بهانه‌ی بچه‌بودن یا درس و کنکور حواله‌ی مادر و پدرم شده بود، به یک‌باره قرار بود بر سرم آوار شوند. وقتی همه‌ی این‌ها را کنار هم قرار می‌دادم،



این نوشته، مخصوص شماره دانشجویی نود و نه، صد و دو، (...) است.



فاطمه فرهادی،
ورودی ۹۸ مهندسی دریا

نامه‌ای به ورودی‌های ۹۹ مهندسی دریا

سلام و تبریک به مناسبت ورود (فعلاً مجازی) شما به این رشته و دانشگاه!

سال پیش که من هم مثل شما ورودی بودم، فارغ از هر چیز، به معنای واقعی به خاطر دانشجویشدن و شروع یک مسیر جدید خوشحال بودم. اولین نکته‌ای که نظرم را جلب کرد، یکی‌بودن دانشکده‌ی مهندسی مکانیک و دریا و اشتراک زیاد دروس بود. الان این اتفاق کاملاً برایم طبیعی و خوشایند است.

اما آن لحظه برای من که علاقه‌مند به دریا و کشتی و سازه‌های فراساحلی بودم و تصویری از دروس مکانیک نداشتم، باعث شد که کمی سردرگم بشوم. الان که حدوداً یک سالی می‌گذرد، ورق برگشته است و من کاملاً به جذابیت دروس این رشته (مکانیک) و اینکه چقدر برای تحصیل در دانشگاه با من هماهنگی دارد، پی بردم. خلاصه می‌خواهم بگویم اگر کمی در ابتدای راه هر چیزی شما را نگران وضعیت پیش‌رویتان کرد، نترسید! جلو بیایید و مطمئن باشید که مسیرتان را پیدا می‌کنید. و اما برای آشنایی بیشتر با حال و هوای این رشته، از سرکار خانم سپیده ملکی -ورودی ۹۴ کارشناسی و ۹۸ ارشد- و جناب آقای امیر محمدی -ورودی ۹۶ کارشناسی- خواستیم تا به ابتدای راهشان در دوره‌ی کارشناسی برگردند و با دیدی که در این لحظه بدست آورده‌اند، هفت جمله را کامل کنند و در آخر، اگر صحبتی با ورودی‌ها دارند برایشان بنویسند. پاسخ‌هایشان برای من بسیار دلنشین بود. امیدوارم برای شما هم اینگونه باشد!

خانم سپیده ملکی

ورودی مهندسی دریای شریف توانایی و فرصتی دارد برای یک مهندس دریای عالی شدن. **برای من مهندسی دریای شریف** مثل مسیری تا حدودی ناشناخته بود که در ابتدا نمی‌دانستم تا کجا قادر به ادامه دادنش هستم. اما اگر این انتخاب، عاقلانه و همراه با علاقه باشد، هر قدر که جلوتر می‌روید، نه تنها خسته نمی‌شوید، بلکه با انرژی و اشتیاق بیشتر قدم خواهید برداشت.

واحدهای مهندسی دریای شریف واحدهای کاربردی و جذابی هستند که باید برای همیشه یاد بگیرید. **اگر رشته‌ی مهندسی دریا** چه قبل و چه بعد از ورود به این رشته، بهتر و بیشتر معرفی شود، می‌تواند با استقبال بیشتر دانشجویان به جایگاه اصلی خود، که حتماً بهتر از جایگاه فعلی است، برسد.

مهندسی دریا را به خاطر علاقه‌ام به کشتی‌سازی و مهندسی مکانیک انتخاب کردم. **اگر برگردم به ترم اول** مطالعه و اطلاعاتم را در مورد صنعت و پیشرفت‌های به‌روز کشور و جهان افزایش می‌دهم. **بهترین تجربه‌ام** شناخت زمینه‌ی موردعلاقه‌ام یعنی فراساحل بود که قبل از ترم چهار آشنایی چندانی با آن نداشتم. **صحبتی با ورودی‌ها:** واقعیت این رشته ممکن است در مواردی بهتر از تصور شما باشد و در مواردی بدتر. اما موضوع ارزشمندتر این است که در نهایت بتوانید به خودتان بگویید: «من از فرصتی که داشتم، به بهترین شکل استفاده کردم؛ فرصت تحصیل در رشته‌ی مهندسی دریا و دانشگاه شریف و دانشکده‌ی مکانیک.»

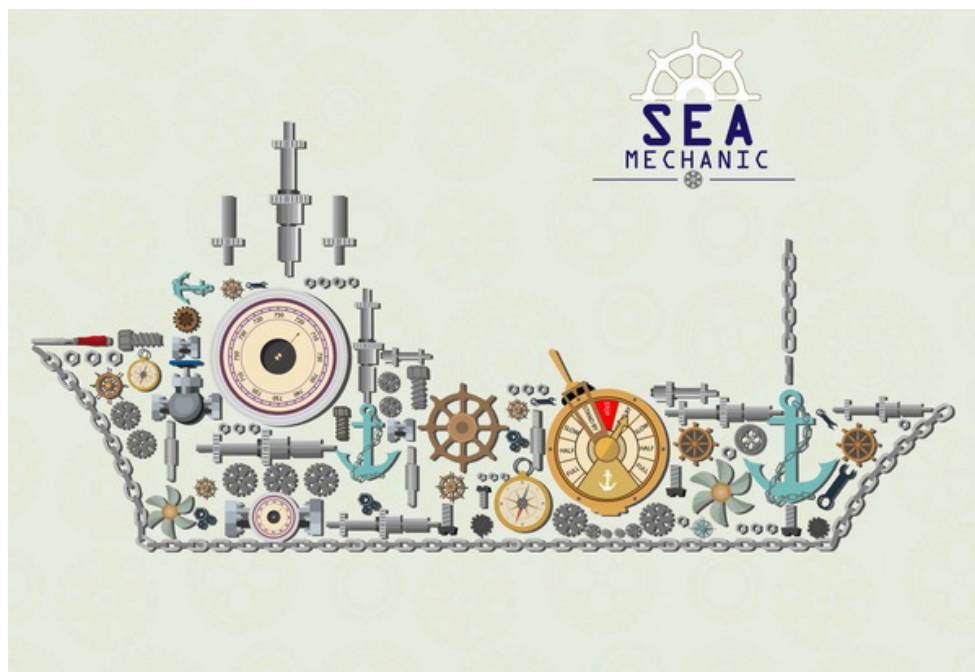
آقای امیر محمدی

ورودی مهندسی دریای شریف شخص پرتلاش و باانگیزه است که خودش را در شریف محک می‌زند تا سمت شغل محترم کارمندی نرود! **برای من مهندسی دریای شریف** مثل اقیانوس کم‌عمقی از علوم مختلف همچون مکانیک، عمران و صنایع است.

واحدهای مهندسی دریای شریف در خلاصه‌ی کلام، چالشی، جذاب و با یادگیری اصول کار تیمی بود.

اگر رشته‌ی مهندسی دریای شریف حمایت شود، پتانسیل تبدیل شدن به یکی از ۵ قطب پول‌ساز دنیا را دارد.

مهندسی دریا را به خاطر اسم زیبا و پرعظمتش در وهله‌ی اول و دوم به خاطر علاقه به مکانیک و فیزیک انتخاب کردم.



اگر برگردم به ترم اول با مشورت با استادها، زودتر به فیلد مورد علاقه‌ام در دریا می‌رسیدم.

بهترین تجربه‌ام که هنوز هم در حال کیف کردن از آن هستم و خواهم بود، حضور در جمع دلسوز و باحال شریف است.

صحبتی با ورودی‌ها: قبولی در دانشگاه، از آن موردهایی است که باید بعداً به آن نگاه کنی و لذتش را ببری و بگویی زندگی من تبدیل می‌شود به قبل و بعد از شریف قبول شدن! به قول دکتر مجتهدی: «ثروت و آینده‌ی مملکت شماست، شریف بمانید و شریف بار بیاورید.»

برای تو، ورود جدید!

مصاحبه با دکتر مقداری، فارغ التحصیل مقطع
دکتری از دانشگاه نیومکزیکو آمریکا در سال ۱۳۶۶



حسن علیزاده، ورودی ۹۵ مهندسی مکانیک



علی انصاری، ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک



تجربه‌ی خودم را بخواهم بگویم، من فکر می‌کنم انسان باید روی موضوعی که علاقه دارد، کار کند؛ یعنی شما اگر در حوزه‌ای که علاقه دارید، تحصیل کنید، قطعاً موفق می‌شوید. هدف اپلای، برای یک فرد تحصیل‌کرده‌ی دانشگاهی، هدف خوبی نیست. شما اگر در هر حرفه و شغلی، آن تخصص را خوب یاد بگیرید، قطعاً در هر جایی از دنیا به شما نیاز دارند و بیشتر هم در کشور خودتان. اگر هم تمایل به امتحان کردن جوامع دیگر را داشته باشید، فضا برایتان باز خواهد بود. من فکر می‌کنم خوب است که دانشجویان نقاط ضعف خودشان را شناسایی کنند و سعی کنند آن نقاط ضعف را برطرف کنند. طبیعتاً با تقویت این نقاط ضعف و ارتقای دانششان در هر حوزه‌ای که تحصیل می‌کنند، به راحتی می‌توانند در هر جایی که خداوند مقرر کرده، زندگی و کار کنند و آینده‌ی خوبی داشته باشند.

به نظر شما تفاوت‌های عمده‌ای که دانشجویان با دانش‌آموز دارد چیست؟

دانش‌آموز معمولاً دنبال‌کننده است؛ پرسشگر و جوینده نیست. یک مطلبی را به او می‌گویند، او هم می‌خواند و امتحان می‌دهد و معمولاً به این فکر نمی‌کند که چه فایده‌ای برایش دارد و نهایتاً هم وارد دانشگاه می‌شود. در واقع آموزش برایش کانالیزه شده است؛ (صحبت من در مورد آموزش و پرورش ایران است). اما دانشگاه این‌طور نیست. دانشجو هم نباید این‌طور باشد. دانشجو نقش بزرگ‌تری دارد و باید خودش را به چالش دعوت کند و محدودیتی برای فعالیت خودش قائل نباشد. هیچ‌کس نمی‌تواند به شما بگوید حتماً باید این مسیر را بروید. **دانشجو علاوه بر برنامه‌ی درسی که برایش تنظیم شده، خودش هم فرصتی پیدا کرده که قابلیت‌های خودش را شناسایی کند و به نظر من باید از محدوده‌ی آسایش عقلانی‌اش خارج شود.** در دبیرستان، دانش‌آموزان همگی از یک منطقه‌اند. اما در دانشگاه از مناطق مختلف با زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف حضور دارند و برخی از این‌ها می‌توانند برای شما جالب باشند؛ یعنی فرصتی که ممکن است در طول عمرتان پیدا نکرده باشید که با افرادی از سایر استان‌ها آشنا شوید، در دانشگاه اتفاق افتاده است. پس شما در اینجا، هم فرصت یادگیری فرهنگ‌های ایرانی و هم فرصت تمرین همکاری با افراد مختلف را دارید. به نظر من اینکه هم‌کلاسی‌های شما ممکن است با شما متفاوت باشند، می‌تواند موجب تقویت روحیه و قابلیت‌های شما بشود. شما باید تفاوت‌ها را شناسایی کنید و این تفاوت‌ها هستند که باعث یادگیری می‌شوند. اگر تفاوتی وجود نداشت، شما چیزی نمی‌آموختید. تفاوت‌ها به شما کمک می‌کنند.

نظرتان در مورد فعالیت‌های دانشجویی که در دوران کارشناسی انجام می‌شود، جدا از فعالیت‌های درسی چیست؟

اگر خوشامدگویی و صحبت اولیه‌ای دارید بفرمایید.

سلام دارم خدمت دانشجویان عزیز که به تازگی به دانشگاه شریف وارد شدند. در واقع به یکی از رؤیاهای زندگیشان دسترسی پیدا کردند. امیدوارم که در این فرصتی که در دانشگاه شریف هستند، بتوانند هم به علمشان و هم به معرفتشان بیفزایند و افراد مفیدتری در آینده برای جامعه باشند.

از نظر شما چه تعریفی می‌شود برای دانشگاه شریف ارائه داد؟

شریف یک دانشگاهی است که هم شهرت ملی و هم شهرت جهانی دارد، از بُعد عمدتاً علمی. بچه‌هایی که وارد این دانشگاه می‌شوند، به تدریج با فرهنگ این دانشگاه آشنا می‌شوند و شریف هم تلاش کرده که طی سالیان گذشته از بدو تأسیس، بهترین استادهایی که در کشور وجود داشتند را جذب کند و یک فضایی را ایجاد کند که جوان‌هایی که وارد این دانشگاه می‌شوند، این حس به آن‌ها دست نهد که از دنیا عقب هستند؛ یعنی عملاً همان مطالب علمی که در دنیا تدریس می‌شود را دارند اینجا در کشور خودشان یاد می‌گیرند. منتهی این تمام ماجرا نیست. مسئولین دانشگاه بر کیفیت دانشجویان ورودی، استادان و همین‌طور برنامه‌های آموزشی از ابتدا تا کنون وسواس و تأکید داشتند و دارند. خیلی از مهندسان و دانشمندان تراز اول مملکت که از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شدند، امروز موفقیت‌های خودشان را مرهون سخت‌گیری‌ها و وسواس‌های علمی و آموزشی این دانشگاه می‌دانند. این اصول و وسواس‌هایی که دانشگاه همیشه به خرج داده، خوشبختانه همچنان پابرجاست. البته معتقدیم که با آموزش خوب، مسئولیت هم همراه است. دانشجویانی که خداوند استعداد و توانایی به آن‌ها داده و با تلاش مضاعف به این دانشگاه وارد شده‌اند، وظیفه‌ای دارند که هم دانش خودشان را تقویت کنند و هم آن را برای سودرسانی به دیگران به کار بگیرند. ما در شریف معتقدیم که شریفی‌ها باید انسان‌ها و شهروندان فعالی در جامعه باشند. بعضی اوقات، دانشجویان از من می‌پرسند که چطور بیشترین بهره را از آموزش ببریم. پاسخ من ساده است؛ ظرفیت گوش‌دادن را در خودتان تقویت کنید. تلاش کنید که گوش بدهید. شما نمی‌توانید از دیگران یاد بگیرید و یا در یک گفت‌وگوی معنی‌دار شرکت کنید؛ مگر اینکه ابتدا مایل باشید بپذیرید که برای گوش‌دادن آمده‌اید. لذا باید مهارت‌های استدلالی و انتقادی خودتان را تقویت کنید.

تصور و هدف خیلی از افراد که شریف را انتخاب می‌کنند، اپلای است و آن‌چنان به علاقه خود به رشته توجه نمی‌کنند و به نوعی صرفاً این دانشگاه را سکوی پرتاب می‌بینند. نظر شما در این باره چیست؟

دسته‌ای از دانشجویان هستند که یک علاقه کلی به رشته مکانیک و مثلاً کار کردن با دستگاه‌ها و تحلیلشان دارند؛ اما هنوز دقیقاً برایشان مشخص نشده که در آینده می‌خواهند به سمت چه گرایش بروند. لطفاً یک توضیحی در این مورد و اینکه چطور دقیقاً علاقه خودشان را پیدا کنند، بدهید.

سال اول و دوم که دروس، عمدتاً علوم پایه هستند تا پایه‌ی شما قوی شود و بتوانید در آینده، دروس تخصصی را بگذرانید. من فکر می‌کنم تا اواخر سال سوم دانشجو می‌تواند حس پیدا کند و متوجه بشود که چه درس‌هایی را راحت‌تر یاد می‌گیرد و قابل‌هضم و مورد علاقه‌اش است. در آن زمان است که می‌تواند سبد دروس اختیاری‌اش را انتخاب کند. بسته به علاقه‌ی شخص، همه‌ی این سبدهای درسی معادل هستند و این‌طور هم نیست که اگر به‌عنوان مثال، سبد حرارت و سیالات را انتخاب کردید، تا آخر عمرتان بایستی در همان حوزه کار کنید. خیر، شما مهندس مکانیک هستید؛ آن سبدهای درسی صرفاً در حد سه، چهار درس، شما را از همکارتان که مثلاً ساخت و تولید خوانده، متمایز می‌کند و این‌طور نیست که برای شما تعیین‌کننده باشد. شما همیشه می‌توانید اگر به دروس دیگری هم علاقه دارید، در کلاس درسی مربوطه شرکت کنید و یا خودآموزی کنید. به‌خصوص می‌توانید از قابلیت‌های اینترنت استفاده کنید و توانایی‌های خود را ارتقا دهید. به نظر من، خیلی به این موضوع فکر نکنید و تا تقریباً سال سوم، با همان برنامه‌ی درسی دانشکده پیش بروید. بعداً متوجه خواهید شد که کدام زمینه‌ها بیشتر شما را جذب می‌کنند. من معتقدم مهندسان مکانیک نباید برای خودشان محدودیت قائل شوند. این‌طور مرزبندی نکنند که من سیالاتی هستم، فلانی ساخت و تولید و ... در نهایت شما همگی مهندس مکانیک هستید. در کل می‌خواهم بگویم که خیلی مسئله‌ی مهمی نیست که به خاطرش به خودتان دردرس بدهید. انجمن مهندسان مکانیک آمریکا سال‌هاست که شعاری دارد: "From A (airplanes) to Z (zippers), mechanical engineers needed!" یعنی مهندسان مکانیک در ساخت هواپیما تا زیپ پیراهن نقش دارند و محدودیت ندارند. یک مهندس مکانیک قابلیت‌های زیادی دارد. مهندسی مکانیک مادر علوم مهندسی است.

به‌عنوان کلام آخر، چه توصیه‌ای برای ورودیان جدید دارید؟

همان‌طور که گفتم، دانشجویان برای اولین بار است که مستقل زندگی‌کردن را تجربه می‌کنند و دانشگاه به آن‌ها کمک می‌کند که مستقل زندگی‌کردن و مستقل فکرکردن را یاد بگیرند. به نظر من، قسمتی از یادگیری در زندگی دانشگاهی همان قبول و انتخاب همین مسئولیت‌هاست؛ یعنی مسئولیت‌پذیری. خیلی باید تلاش کنند و مواظب باشند از هدف و مسیری که برایشان تلاش زیادی کرده‌اند، منحرف نشوند. شما الآن افراد بالغی هستید و باید مسئول اعمال خودتان باشید. دیگر نمی‌توانید مسئولیت را به گردن والدین خود بیندازید تا برای شما تصمیم بگیرند. خیلی از پدر و مادرها به خصوص در فرهنگ ما، زندگی خودشان را قربانی کردند و از تفریح و هزینه‌های شخصی خودشان زدند تا به تحصیل شما صدمه‌ای وارد نشود و بتوانید وارد بهترین دانشگاه صنعتی کشور شوید. به نظر من در دانشگاه باید مسئولانه، قدر از خودگذشتگی و زحمات آن‌ها را بدانید. همان‌طور که در دوران متوسطه انجام دادید و قبول‌شدن در دانشگاه شریف را به عنوان پاداش به آن‌ها دادید. اگر به این نکات توجه کنید، فکر می‌کنم در آینده افراد مثبتی برای خودتان در کشور خواهید بود. یادتان نرود، این جمله‌ی من را فراموش نکنید: درست است که شما با رتبه‌های بالا وارد این دانشگاه شده‌اید، اما به این مفهوم نیست که از این دانشگاه با رتبه‌های بالا خارج می‌شوید. یعنی مغرور نشوید و یادتان باشد که انسان‌های معمولی (منظورم شما نیستید!) اگر بخواهند، می‌توانند زندگی‌های فوق‌العاده و شگفت‌آوری را رهبری کنند. پس از شما انتظار بالاتری می‌رود؛ چون شما معمولی نیستید، شما تلاش کردید و نشان دادید می‌توانید وارد یک دانشگاه بسیار خوب بشوید.

ما در دانشگاه شریف انتظارمان و برنامه‌ریزیمان این است که دانشجویان تک‌بعدی به بار نیایند. البته بعضی اوقات، دانشجو به هیچ چیز جز ریاضی علاقه ندارد که آن را نمی‌توان کاری کرد. ولی تلاش و ایده‌آل برنامه‌ریزی‌های دانشگاه این است که دانشجوها قابلیت‌های خودشان را در حوزه‌های مختلف غیردرسی محک بزنند. ما همیشه تشویق می‌کنیم و فکر می‌کنیم که این خیلی خوب است که اگر یک دانشجو یک توانایی در حوزه‌ی موسیقی، هنر، ورزش و مسائل اجتماعی دارد، درگیر این‌ها هم بشود و در حوزه‌ی فعالیت‌های جمعی و فوق‌برنامه شرکت کند. این شرکت‌کردن، باعث رشد فردی شخص می‌شود. ما فکر نمی‌کنیم دانشجوی مکانیک شریف حتماً باید با دانشجویهای هم‌رشته‌ی خود تعامل داشته باشد. می‌تواند دوستانی در رشته‌ی برق، کامپیوتر، صنایع و ... داشته باشد و این‌ها وقتی اتفاق می‌افتد که دانشجویها در فعالیت‌های گروهی شرکت کنند و دوستان خوبی پیدا کنند و فرصت یادگیری از آن‌ها داشته باشند. این فرصت چهارپنج‌ساله هم باز نمی‌گردد. دوره‌ی کارشناسی بهترین دوران زندگی شماست. در تحصیلات تکمیلی کارها تخصصی‌تر می‌شوند و دامنه‌ی فعالیت، نسبت به دوره‌ی کارشناسی باریک‌تر می‌شود. لذا از این بهترین فرصت، باید بهترین استفاده را هم داشته باشید. تفاوت عمده‌ای با دبیرستان وجود دارد. کسی صبح به شما نمی‌گوید «پاشو برو مدرسه!» یا یکی بیاید دنبالتان و شما را به مدرسه ببرد؛ باید خودکار باشید و نظم را یاد بگیرید و خودتان، خودتان را منظم کنید. برنامه‌ریزی خودتان را خودتان انجام دهید. دیگر، والدینتان مراقب شما نیستند. ما معتقدیم بچه‌ها وقتی وارد دانشگاه می‌شوند، باید یک فرد بزرگسال واقعی بشوند؛ یعنی مستقل روی پای خودشان بایستند و کارهایشان را خودشان دنبال کنند، چه در مسائل علمی چه مسائل غیرعلمی که مرتبط با تعامل با جامعه است.

یک دانشجو مکانیک، در همین ابتداء کار باید به فکر کسب چه مهارت‌هایی باشد؟

من نمی‌توانم برای افراد نسخه بیچم که هرکس باید چه کاری انجام دهد. در دانشگاه معمولاً دوره‌های مهارتی متنوعی هست، بچه‌ها برحسب علاقه خودشان می‌توانند در این دوره‌ها شرکت کنند. البته شرایط این شش، هفت ماه گذشته اوضاع همه جای دنیا را سخت کرده است. دوره‌های ماینور، یا به اصطلاح همان فرعی، هم هست که اگر دانشجویی مثلاً در رشته‌ی مکانیک قبول شده است، اگر علاقه‌مند باشد می‌تواند دوره‌ی فرعی اقتصاد را هم سپری کند و در کل، مهارت جانبی در کنار تحصیل اصلی کسب کند. دوره‌های فوق‌برنامه هم که الی‌ماشاءالله توسط حوزه‌ی معاونت فرهنگی برگزار می‌شوند و بچه‌ها می‌توانند ثبت‌نام کنند و جلو بروند. به نظر من، علایق افراد متفاوت است و این وظیفه‌ی خود بچه‌ها است که ببینند به چه چیزی علاقه دارند. کسی نمی‌تواند به شما بگوید باید فلان کار را انجام بدهید. البته بعد از تعریف هدف‌تان، می‌توانید با دیگران مشورت کنید و بپرسید که من چطور می‌توانم به هدفم برسم. نقطه‌ضعفی که من تا حدودی در برخی از فارغ‌التحصیلان شریف دیدم، مهارت‌های اجتماعی است. توصیه می‌کنم مهارت اجتماعی، تعامل‌پذیری و روحیه‌ی کمک به دیگران را بالا ببرند. اینجا محیط مسابقه‌ی دبیرستان نیست که با هم‌کلاسی‌تان رقابت کنید. این‌طور نیست که اگر هم‌کلاسی شما چیزی نداند، به نفع شما باشد. اگر چیزی می‌دانید که هم‌کلاسی‌تان نمی‌داند، باید به او کمک کنید و نگران این نباشید که اگر کمک کنم نمره‌اش خوب می‌شود، معدلش بالا می‌رود و ... این می‌شود روحیه‌ی خدمت به جامعه که باید در خودتان تقویت کنید. همیشه جایگاه شما محفوظ خواهد بود. علاوه بر اینکه خودتان را ارتقا می‌دهید، تلاش کنید که به دیگران یا زیردستی‌ها یا افرادی که کمتر توانایی دارند، کمک کنید. این‌ها مهارت‌های قشنگی هستند که اگر یاد بگیرید، هیچ جای دنیا شبیه آن را نمی‌بینید.



دانش «جو» باش!

میان «مدرسه» تا «شمس شریف» * تفاوت از زمین تا آسمان است

از طرفی جایی هم نیست که بتوانی با همان روش دقیقه‌نودی و شب‌امتحانی رستگار شوی و با نشان دادن معدل ۱۹ یا ۲۰ عزیزدانه‌ی پدر و مادر و معلم‌ها بشوی. امتحان‌های اینجا بسیار متفاوت است. درس‌های دانشگاه زنجیروار به هم مربوط هستند و تو خودت باید ربط‌ها را پیدا کنی. امتحان‌ها هم به صورت ترکیبی هستند و بسیار نفس‌گیر، گویی با پای برهنه در دوی مارا تن شرکت کنی. اینجا دانشگاه است با تمام مسائل، مصائب و محاسنش. در دانشگاه، پدیده‌ها و موجودات خیلی عجیب و غریب و تازه‌ای دیده می‌شود. آن قدیم‌ها که دانشگاه حضوری بود (البته آن قدر قدیم هم نه! ما هم تازه‌نفس و جوانیم! نسل ما از جمله دوزیستانی بود که هم به صورت حضوری زیست در شریف را تجربه کرد و هم به صورت مجازی) تصاویر عجیب و غریبی دیده می‌شد؛ فی‌المثل عده‌ای بیش از اندازه نگاه خواهرانه و برادرانه به یکدیگر داشتند و یا دیده می‌شد که دختران و پسران نابغه و هنرمند شریف با دود سیگار هم هنرنمایی می‌کردند و در هوا چه نمودارها، حلقه‌ها و خم‌هایی که رسم نمی‌کردند. از غذاهای سلف، سختی‌های خوابگاه، دوری‌ها و تمام این‌ها می‌گذرم. شریف خوبی‌های بسیاری دارد و همین‌هاست که شریف را متفاوت کرده است. اینجا همه چیز به درس‌خواندن و نمره‌ی خوب‌گرفتن ختم نمی‌شود (هرچند به قول بعضی استادها که خاطرشان برای ما واقعاً عزیز است، نمره ناموس شریف است و البته که حرف حقی است)؛ اینجا همه چیز مقاله‌نویسی نیست. اینجا باید دانش «جو» بود؛ باید خلاق و مطالبه‌گر بود، باید مشکلی از جامعه و صنعت را حل کرد، باید علم مفید تولید کرد. باید کارآفرین بود و به فکر توسعه‌ی پایدار. شریف محیط شادابی دارد و به دنبال نوآوری است. دانشجو به دنبال حقیقت است و بدترین عیب یک دانشجو منفعل‌بودن و محافظه‌کاری است. اینجا مبداء تمام تغییرات، از کوچک تا بزرگ، است. پس قدراین چهار یا پنج سالی که در این محیط هستی را بدانی. دوست‌های زیاد و روابط اجتماعی قوی داشته باشی و در کانون‌ها و گروه‌های مختلف فرهنگی، ورزشی، علمی، هنری و سیاسی دانشگاه فعال باشی.

و در آخر چند توصیه برای درس‌خواندن

یکی از مهم‌ترین الزامات زندگی دانشجویی، مدیریت زمان است. ما باید در کنار فعالیت‌های غیردرسی، درس‌هایمان را هم خوب بخوانیم. یک دانشجوی موفق باید یک جستجوگر حرفه‌ای باشد. همچنین ما مثل مدرسه فقط یک کتاب و جزوه‌ی درسی نداریم و باید خود دانشجو در پیدا کردن کتاب‌ها و منابع، زبردست باشد. از دیگر پیشنهادها ما این است که سعی کنید کتاب‌ها را به زبان اصلی مطالعه کنید و حتی به زبان انگلیسی جست‌وجو کنید. با دوستان بزرگتر از خودتان معاشرت کنید و گروهی درس بخوانید.

سلام و تبریک و تسلیت به نودانشجویان و ترم‌اولی‌های آخرین سال قرن ۱۴. منزل نو، مبارک صاحبش! امیدوارم متلک‌های فسیل‌های دانشگاه (دوستان سال‌بالایی) و کل‌کل‌ها و گری‌خوانی‌های بچه‌های رشته‌های دیگر، خاطر شما را مکدر نکرده باشد. مطمئن باشید راه را درست آمده‌اید و به قول معروف: «ای اهل شریف، سرور و سالارهمینجاست! مکانیک همینجاست!»

خلاصه که می‌خواهم بگویم شما تازه اول راهید و مشکلات مهم‌تری درانتظار شماست. اگر شما هم مثل من فکر می‌کنید دانشگاه همان قصر طلایی است که پاداش تمام تلاش‌هایتان است و از الان به بعد همه جلوی شما خم و راست می‌شوند و به زودی نامه‌ای از طرف ناسا برایتان ارسال می‌شود و همه چیز باب میلان است، باید بگویم کور خواندید. *أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ*** نه عزیز من! اینجا شریف است و شما دانش «جو». در دانشگاه شریف دانشجو باید به دنبال علم و دانش بدود. اینجا مثل مدرسه کسی نظارتی بر شما ندارد. می‌توانی تکالیف را کپی کنی که عواقبش با خودت است. اینجا برای کسی مهم نیست که تو چرا امتحان شرکت نکردی و نمی‌شود مانند مدرسه با یک نامه‌ی پزشک، غیبت را مجاز کرد. اینجا خانم یا آقای ناظم نیست که ناخن‌های شما را ببیند. اینجا حضور و غیاب نمی‌کنند یا دیرآمدگی ثبت نمی‌کنند. اینجا برای شما جزوه نمی‌گویند که بنویسید. خانم یا آقای مشاور اینجا نیست که به شما بگوید روزانه چند ساعت، کدام درس را بخوانی و از کدام کتاب تست بزنی تا شاگرد اول بشوی. اینجا خبری از سرویس رفت و برگشت و ورزش هفتگی نیست. تو یک دانشجوی مستقل هستی و همه چیز را خودت باید به دست بیاوری و حساب دخل و خرجت را هم بکنی. اینجا مثل مدرسه از ۸ صبح تا ۲ بعدازظهر کلاس نداری. ممکن است یکی ۸ صبح داشته باشی و یکی ۶ عصر و نمی‌توانی صبح تا شب خودت را حبس کنی و فقط درس بخوانی.

High School

VS

University

Teachers approach you if they believe you are falling behind



If you need assistance, you should initiate contact with your lecturer or tutor

* تشدید برای رعایت وزن گذاشته شده.

** آیا مردم گمان کرده‌اند همین که بگویند ایمان آوردیم رها می‌شوند و آنان مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟



به کجا برم شکایت به که گویم این حکایت!

حالا که دانشجو شدید، در بدو ورود به این محیط جدید و کعبه‌ای آمل قبل از کنکورتن لازم است که با قوانین آموزشی دانشگاه آشنا شوید. مثل هر مکان دیگری، در دانشگاه هم بعضی جاها یک‌طرفه است، بعضی جاها ورود ممنوع شده، بعضی جاها هم بوق‌زدن ممنوع! خلاصه اینجا هم برای خودش حساب‌وکتابی دارد و مثل سابق فقط با یک مدیر و معاون طرف نیستید؛ بلکه برای هر کاری، یک سلسله مراتب روبه‌روی شمامست و برای سردرگم‌نشدن در آن، بهتر است که همین ابتدای کار، آستین‌ها را بالا بزنید که در این مورد درس ما در دفتر می‌آید و آن هم پُروپیمان!

امیدوارم که با خواندن این متن بتوانید در ادامه‌ی راه، هم مدیریت بهتری روی شرایط تحصیلی خود داشته باشید و هم با توجه به شرایط موجود، برای آینده خودتان تصمیم بگیرید؛ البته اینجا قوانینی مطرح می‌شود که معمولاً دسترسی به آنها دشوارتر است.

حذف یا ادامه؟

بعضاً پیش می‌آید که در سال اول دانشگاه به‌خاطر تفاوت‌های درس‌خواندن مدرسه و دانشگاه و حال‌وهوای آن یا هر شرایط دیگری، اوضاع نمره‌ی یک درس بر وفق مراد پیش نرود و نمره‌ی پایین در انتظارمان باشد یا حتی خطر مردودشدن (افتادن) در کار باشد. در چنین حالتی، می‌توان از حذف (W) برای آن درس استفاده کرد.

معمولاً در انتهای هر ترم و قبل از امتحانات پایانی، بازه‌ای مشخص می‌شود که می‌توان یک درس را در صورتی که تعداد واحدهای باقی‌مانده کمتر از ۱۲ نشود، حذف کرد (غیر از آزمایشگاه‌ها، دروس تربیت‌بدنی و کارگاه‌ها).

البته این گزینه محدودیت‌هایی هم دارد؛ اولاً سنوات مجاز تحصیل، هشت ترم (به صورت رایگان) و حداکثر ده ترم (با پرداخت هزینه و صلاح‌دید کمیسیون موارد خاص) است و قرار نیست تا ابدالاهر در مقطع لیسانس باشید و ثانیاً در طول مدت مجاز تحصیل، درمجموع می‌توانید تا هفت واحد، دروسی را حذف کنید یا بیفتید، به طوری که مشمول پرداخت هزینه نشوید؛ البته این هفت واحد را در صورت حذف‌نکردن یا مردودشدن می‌توان با واحدهای دلخواه، پرکرد یا اصلاً واحدی اخذ نکرد. نکته‌ی دیگر در مورد مردودشدن اینکه پیشنیزی را از بین می‌برد (نکته‌ی مثبت!) و دوم اینکه بعداً که درس را پاس کردید، نمره‌ی مردودی همچنان در کارنامه باقی می‌ماند و در معدل شما حساب می‌شود.

فلان رشته برایم بهتر نبود؟

بعضی اوقات آن چیزی که از یک رشته قبل از دانشگاه در ذهن داشتیم، با واقعیت آن متفاوت از آب درمی‌آید یا به هر دلیل دیگری از انتخاب خود احساس رضایت نمی‌کنیم. با توجه به تجربه‌ی شخصی خودم در این زمینه، بهتر است که ابتدای کار دلایل رضایت و عدم رضایت از هر دو رشته را خصوصاً با کمک‌گرفتن از افراد آگاه در این زمینه‌ها مشخص کنیم و به اطمینان برسیم که چه موضوعی را برای ادامه‌ی راه تحصیل ترجیح می‌دهیم.

تغییر رشته

هرچند که فرم و شرایط تغییر رشته در سایت دانشگاه قرار دارد؛ اما در این میان قوانینی هستند که بعضاً به‌روشنی به آن‌ها اشاره نشده است و در اینجا قصدمان اشاره به آن‌هاست.

برای مثال دانشجویانی که رتبه‌ی کشوری آنها ۱ تا ۱۵۰ است، فارغ از اینکه چه رشته‌ای را قبول شده‌اند، در هنگام پذیرش و تا حدود دو ماه بعد از شروع ترم، می‌توانند به هر رشته‌ی دیگری در دانشگاه تغییر وضعیت دهند. دیگر اینکه دانشجویان با رتبه‌ی ۱۵۱ تا ۵۰۰ کشوری هم در صورت تمایل می‌توانند برای تغییر رشته درخواست دهند تا در صورت قبول درخواست از طرف دانشکده‌ی مقصد، در رشته‌ی مطلوب خود تحصیل کنند. اگر شما تمایل به تحصیل در رشته‌ی دیگری در دانشگاه فعلی داشته باشید و در کنکور هم رتبه‌ی قبولی آن را کسب کرده باشید، تنها تا پایان ترم یک مهلت دارید که از «کارنامه‌ی سبز» کنکور استفاده کنید. این موضوع را هم در نظر بگیرید که انتقال دانشجو بین دانشگاه‌های یک شهر، امکان‌پذیر نیست.

تغییر رشته به صورت مشروط

در صورتی که شرایط بالا را نداشتید، هیچ جای نگرانی نیست؛ فقط تلاش بیشتری می‌طلبید:

برای این امر باید توجه داشت که باید معدل دروس پایه و تخصصی (یعنی غیر از عمومی‌ها) برابر یا بیشتر از حدنصاب مشخص شده از طرف دانشکده‌ی مقصد باشد. (برای مثال این شرط برای دانشکده‌ی مکانیک و کامپیوتر ۱۸ است؛ البته با کمی انعطاف.) هرچند که در فرم تغییر رشته حداقل معدل ۱۶ برای تغییر رشته ذکر شده است؛ اما این میزان صرفاً برای بررسی فرم توسط آموزش کل و ارسال فرم به دانشکده‌ی موردنظر است و نکته‌ی مهم این است که در صورت ثبت درخواست با معدل پایین‌تر از حد دانشکده و بیشتر از ۱۶ درخواست شما رد می‌شود و امکان ثبت درخواست مجدد در زمان دیگر و با معدل بالاتر وجود ندارد. حال اگر شرط دانشکده‌ی مقصد را کسب کردید، اکنون باید به مدت دو ترم، واحدهایی را که برایتان مشخص می‌کنند، با کسب حداقل معدلی که آن را هم تعیین می‌کنند، بگذرانید تا تغییر رشته‌ی شما نهایی شود. دقت کنید که حداکثر تا قبل از ترم پنج فرصت دارید که برای تغییر رشته اقدام کنید. این امر هم از طریق سامانه‌ی آموزش و هم از طریق مراجعه‌ی حضوری امکان‌پذیر است و لازم است که درخواست خود را ۲۰ روز قبل از شروع ترم جدید ثبت کنید.

ماینور (دوره‌ی فرعی)

در شرایطی که شما علاقه‌مند به گسترش اطلاعات خود در رشته‌های دیگر باشید، می‌توانید با گرفتن دوره‌ی فرعی، ۲۱ تا ۲۵ واحد از رشته‌ی موردنظر خود را که آموزش آن دانشکده برای دوره‌ی فرعی تعیین کرده است، بگذرانید؛ البته رعایت پیشنیزی الزامی است.

شرط گرفتن دوره‌ی فرعی، داشتن حداقل معدل ۱۴ است و با گرفتن دوره‌ی فرعی سنوات مجاز به نه سال افزایش می‌یابد. زمان اقدام برای آن پس از ترم دوم و حداکثر پایان ترم پنجم است. (در صورتی که امکان اتمام واحدهای رشته‌ی اصلی و ماینور، در مدت نه ترم امکان‌پذیر باشد.) و از طریق سامانه‌ی آموزش و کارتابل درخواست می‌توان برای این مهم اقدام کرد.

لازم به ذکر است که ممکن است دانشکده‌ی مقصد یک درس را برای شما مشخص کند تا در صورت کسب نمره‌ی مطلوب در آن، رسماً با درخواست شما موافقت شود.

در حالت کلی، اخذ واحدهای دوره‌ی فرعی مشمول پرداخت شهریه‌ی آن‌هاست؛ مگر اینکه معدل ترم شما حداقل ۱۷ شود. همچنین در نظر داشته باشید که اگر دانشجو تا پایان ترم نه فارغ‌التحصیل نشود، مدرک دوره‌ی فرعی به او تعلق نمی‌گیرد.

دورشته‌ای چگونه؟

به نظر چالش‌برانگیزترین موضوع، همین دورشته‌ای‌خواندن است. اولین شرط ورود به آن، معدل کل بالای ۱۷ است که البته این مورد بسته به دانشکده‌ی رشته‌ی دوم متغیر است و دوم اینکه باید برنامه‌ی آموزشی از طرف دانشکده‌ی دوم برای تحصیل در آن رشته به صورت دورشته‌ای با رشته‌ی اصلی شما وجود داشته باشد (برای این مورد باید سایت دانشکده‌ها در قسمت فرم‌ها و آیین‌نامه‌ها را چک کنید). مهلت درخواست برای این موضوع، از پایان ترم سوم تا قبل از ترم هفتم است.

سخن کوتاه باید

در آخر لازم است عرض کنم که در این توضیحات، سعی شده قوانین به صورت خلاصه و مختصر و بیشتر براساس تجربیات شخصی ارائه شوند تا شما عزیزان با کلیت قضایا آشنا شوید و بدانید که در دانشگاه چه می‌گذرد؛ چراکه شرح و تفسیر کامل مقررات از حوصله‌ی این مقاله و همچنین من و شما خارج است. برای اطلاع از ریز این قوانین می‌توانید به سایت sharif.ir قسمت فرم‌ها و آیین‌نامه‌ها و همچنین سایت دانشکده‌ها در همان قسمت نام‌برده مراجعه کنید؛ البته پرسش از مسئولین محترم اداره‌ی خدمات آموزشی و همچنین آموزش دانشکده به صورت حضوری و غیرحضوری (تلفن و ایمیل) امکان‌پذیر است.

از کف دریا تا خود آسمون...

من چگونه مکانیک شدم؟



مرتضی معماری، ورودی ۹۶ مهندسی مکانیک



بعد از ورود به دبیرستان، (زمان ما دبیرستان چهارساله بود و سال دوم انتخاب رشته می کردیم.) من هم مثل خیلی از هم سن و سال هایم در فکر انتخاب رشته بین ریاضی و تجربی بودم؛ اما چون از بچگی به ریاضی علاقه ی زیادی داشتم، کارم راحت بود و بی چون و چرا رشته ی ریاضی را انتخاب کردم. ناگفته نماند که خیلی از اطرافیان و به خصوص پدر و مادرم، دوست داشتند که من تجربی را انتخاب کنم و دکتر بشوم؛ ولی خب بالأخره علاقه حرف اول را می زد. بعدها، وقتی با حرکت شناسی آشنا شدم، دیدم که مبحث جالب و جذابی است و به آن علاقه مند شدم. همین قضیه، در کنار علاقه ی قبلی، باعث شد تا به رشته ی مهندسی مکانیک علاقه مند شوم. این علاقه، تا روز اعلام نتایج کنکور ادامه پیدا کرد. آنجا بود که باید تصمیم بزرگی برای آینده ام می گرفتم. با دیدن رتبه ی کنکورم، فقط دو گزینه جلوی خودم گذاشتم؛ یکی مهندسی مکانیک که با توجه به شناخت کم و بیشی که داشتم، علاقه ی شخصی من بود، و دیگری مهندسی برق که رشته ی مورد توجه رتبه های برتر بود. در آن زمان، به رشته های دیگر فکر نمی کردم؛ یعنی اصلاً دنبال شناختن آن ها هم نرفتم و فقط به این دو رشته فکر می کردم. برای من، تفاوت این دو رشته با دو جمله توضیح داده می شد: (۱) اگر به فیزیک سوم (الکتریسیته) علاقه دارید، برق را انتخاب کنید و اگر از فیزیک دوم و چهارم (حرکت شناسی و سینماتیک) خوشتان می آید، به رشته ی مکانیک بروید. (۲) مکانیک، فیزیک بیشتری نسبت به ریاضی دارد و برق، بالعکس.

من هم بالأخره تصمیم خودم را گرفتم و رشته ی مهندسی مکانیک را در دانشگاه مورد علاقه ام انتخاب کردم. خلاصه زد و مکانیک شریف قبول شدم... **وقتی به دانشگاه آمدم، در ترم یک و دو هنوز همان دید قبل از کنکور را نسبت به رشته ی مکانیک داشتم و چیز بیشتری دست گیرم نشده بود؛** (زمان ما درسی به نام آشنایی با مهندسی مکانیک وجود نداشت!) ولی به مرور با گذراندن درس های دانشکده و صحبت با سال بالایی ها، دید بهتری نسبت به رشته ی تحصیلی ام پیدا کردم و تازه فهمیدم که این مکانیک با آن مکانیکی که من فکر می کردم، زمین تا آسمان فرق می کند و بی اندازه وسیع است. آن قدر وسیع که قاطعانه می توان گفت مهندس مکانیک در هر زمینه ای می تواند فعالیت کند. حالا دیگر می دانم که مکانیک فقط حرکت شناسی نیست و جنبه های مختلفی دارد. از طراحی و ساخت قطعات و سازه های مکانیکی گرفته تا طراحی نیروگاه های بزرگ و توربین های آبی، از ساخت ربات و طراحی مکانیزم های کاربردی گرفته

گرفته تا الکترونیک و طراحی سیستم های اتوماتیک (اتوماسیون)، از کنترل حرکت ماشین و هواپیما و موشک گرفته تا مسائل پزشکی (و حتی مهار و ویروس کرونا)، همه و همه، از زمینه های کاری مهندسان مکانیک به شمار می روند. الان که فکر می کنم، در مجموع از رشته ی مکانیک راضی هستم (البته یک سری کمبودها!) هم دارد که بی خیالش می شوم) و خوشحالم که انتخاب درستی انجام داده ام؛ چون واقعاً همان چیزی است که دنبالش می گشتم (و حتی شاید فراتر از آن!). در توصیف مهندسی مکانیک، همین بس که بگویم «از کف دریا تا خود آسمون، دست مکانیکه بفهم بچه جون!»

جعبه ابزار



محمد صدرا زرگزاده،

ورودی ۹۷ مهندسی مکانیک

من چگونه مکانیک شدم؟

هر سال حدود ده درصد از ورودی ها، رشته ی مهندسی مکانیک را انتخاب می کنند. شاید «چگونگی مکانیکی شدن» هر یک هم متفاوت باشد.

از همان ابتدا به شهود خیلی اعتقاد داشتم. پدیده هایی که رخ داد نشان به تمامی قابل رؤیت بود را لذت بخش تر می دیدم.



البته خوشبختانه از سال ۹۸ درسی با عنوان «آشنایی با مهندسی مکانیک» در ترم دوم ارائه می‌شود و از این جهت ورودی‌ها می‌توانند نسبت به رشته شناخت بهتری پیدا کنند. در ترم‌های سه و چهار که درس‌های تخصصی مکانیک مثل دینامیک و طراحی اجزا و سیالات و ... را گذرانده‌ایم، جامعیت و گستردگی مکانیک بیشتر نمود پیدا کرد. همچنین شرکت در برنامه‌های علمی مختلف دانشکده و مشورت با سال‌بالایی‌ها هم در شناخت بهتر رشته به من خیلی کمک کرد. یک نکته نیز عرض می‌کنم که گفتنش خالی از لطف نیست. اگرچه جامعیت و گستردگی مهندسی مکانیک یک مزیت به حساب می‌آید و یک جعبه‌ابزار بزرگی است که می‌تواند در زمینه‌های مختلف به کمک ما بیاید؛ اگر همراه با یک تخصص باشد، خیلی باارزش‌تر می‌شود. در دوره‌ی کارشناسی مهندسی مکانیک به خیلی از شاخه‌ها وارد می‌شویم؛ اما فکر می‌کنم کمتر به مرحله‌ی تخصص می‌رسیم. پس خوب است در کنار درس‌مان به حوزه‌ای که علاقه‌مندیم بیشتر ورود کنیم. تا در کنار این جعبه‌ابزار، یک تخصص نسبی نیز کسب کنیم. در برآیند که پارامترهای مختلف را در نظر می‌گیرم، از انتخاب مهندسی مکانیک راضی هستم.

همچنین برای پاسخ به سوال‌های ذهن کنج‌کاو به دنبال جواب‌های قاطع و متقن می‌گشتم و جواب‌های نسبی که با گذر زمان تغییر می‌کرد و یا صرفاً بر اثر تجربه بود را نمی‌پسندیدم. بر همین اساس در دبیرستان رشته‌ی ریاضی و فیزیک را انتخاب کردم؛ چون در آن نسبت به علوم تجربی قاطعیت بیشتری می‌دیدم. البته علاقه‌ای که از کودکی به ریاضی داشتم هم بسیار مؤثر بود. بعد از کنکور، نوبت انتخاب رشته بود؛ شاید اولین تصمیم جدی که می‌توانستیم برای آینده‌مان بگیریم. با بررسی رشته‌های مختلف مهندسی همان ابتدا مهندسی برق را از گزینه‌هایم حذف کردم؛ چون آن شهودی که به دنبالش بودم را در آن نمی‌دیدم. در بین سایر مهندسی‌ها، به مهندسی مکانیک و مهندسی پزشکی علاقه‌مند شدم. با مشورت‌هایی که انجام دادم، به این نتیجه رسیدم که مهندسی مکانیک را انتخاب کنم، به دو دلیل: یکی جامعیت گسترده و به اصطلاح مادر بودن رشته و دیگری شهود فوق‌العاده حاکم بر آن. با ورود به دانشگاه، در ترم‌های اول و دوم بیشتر درگیر درس‌های پایه مثل ریاضی و فیزیک بودیم و خیلی دیدی از مهندسی مکانیک نگرفتیم.



مکانیک در عین اینکه همه‌کاره است، می‌تواند هیچ‌کاره باشد. برایمان هم گنگ بود و هم ترسناک. ولی به‌واقع از شیر مرغ تا جان آدمی‌زاد در بندوبست حرفه‌ای یک مکانیکی پیدا می‌شود؛ اینکه نهایتاً بتواند حوزه‌ی موردعلاقه‌اش را بیابد و با پشتکار و تلاش به نتیجه برسد، به خودش و انتخاب‌هایش بستگی دارد.

تیر خلاص

آخرین جمله‌ای که مرا آن‌قدر از انتخابم مطمئن کرد که دیگر نخواهم پژوهش انتخاب رشته را ادامه دهم، این بود: «مهندس مکانیک یعنی هر طراحی که به کمک مجموعه‌ای از ذوق و هنر و دید مهندسی از استتت قلب تا بدنه‌ی یک خودرو را طراحی می‌کند؛ یعنی سازنده‌ای که طرحش را با علم به مواد و خاصیتشان می‌سازد و ثمره‌اش را در دنیای واقعی می‌بیند.»

آمده‌ام که بمانم!

من با وجود همه‌ی این راهنمایی‌ها، حتی تا ترم دوم هم در هاله‌ای از ابهام به سر می‌بردم (باید جزئی‌تر با رشته‌ام روبه‌رو می‌شدم)؛ تا اینکه کلاس آشنایی با مهندسی مکانیک به دادم رسید. استادهایی از دانشکده، درباره‌ی حوزه‌ی فعالیت تخصصی و حرفه‌ایشان مانند رباتیک، بیومکانیک، ساخت و تولید، توربین بادی، سیالات، جامدات و ... سخنرانی‌های بسیار عالی و مفیدی داشتند. شاید اگر الان می‌دانم به تحصیل و ادامه‌دادن در چه گرایش‌های علاقه‌مندم، به مدد همان آشنایی است. به نظر می‌رسد که جایگاهم در شریف دوست‌داشتنی را درست پیدا کرده‌ام. امیدوارم برای شما هم همین‌طور باشد. اگر نبود، ملالی نیست؛ دنیا محل آزمودن است.

رشته‌ی رویاهای من



زهرا کرمی،

ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک

من چگونه مکانیکی شدم؟

یک‌راست می‌روم سر اصل مطلب! کنکور را که از سر گذراندم، فرصتی پیش آمد تا با جمعی از دوستان از شریف رویاها دیدن کنیم. بسی پرمکافات وارد دانشگاه شدیم؛ گویی در مریخستان قدم گذاشته‌ایم و شریفی‌ها هم مریخی هستند. آن حجم از شگفت‌زدگی و چهارچشمی نگاه‌کردن اطراف بی‌سابقه بود. دانشجو‌ها را به محض رؤیت، سوال‌پیچ می‌کردیم و تا جایی که دیگر از دستان فرار می‌کردند، از تجربیاتشان می‌پرسیدیم. در این میان، تجربیات مکانیکی‌ها برای من از همه جالب‌تر بود. با چهار دانشجوی مکانیکی صحبت کردم و برای یک سوال، چهار جواب مختلف گرفتم! همان اول کار، تنوع و گستردگی مکانیک به مذاقم خوش آمد. از طرفی مکانیکی‌ها به‌نظرم راضی‌تر از انتخابشان و با اعتمادبه‌نفس بیشتری بودند.

انگار همیشه مکانیکی فکر می‌کرده‌ام!

وقتی با دروسی که در این رشته می‌خوانیم بیشتر آشنا شدم، در تصمیم جدی‌تر شدم. دینامیک، طراحی اجزاء و ارتعاشات خیلی برایم جالب بودند. مرسوم بود برای آشنایی راحت ما با رشته، دروس مکانیک را معادل حرکت‌شناسی دبیرستان معرفی کنند و البته ترفند خوب و مؤثری بود؛ هم به آن علاقه داشتم و این مرا در انتخابم کمک می‌کرد و هم بعدها واقعاً با فیزیک دبیرستان در سطح بالاتر، مهندسی‌تر و تخصصی‌تر مواجه شدم.

برو کار می‌کن، مگو چیست کار؟!

تا می‌خواستیم در رویای دروس تئوری شیرین غرق شویم، بحث به موضوع استرس‌زای کار و شغل آینده می‌رسید. کاملاً مشخص بود که آن‌ها بسیار محتاطانه و محافظه‌کارانه در این مورد صحبت می‌کردند؛ طوری که نه خیلی قند در دلمان آب شود و نه خیلی دنیا در نگاهمان سیاه. جمله‌ی «یک مهندس

پارمیدا افشار نژاد، ورود ۹۷:

اگه احياناً نابغه‌ی ریاضی یا المپیاد کامپیوتر و ریاضی و اینا نیستین، دروس سرویس ریاضی رو تا جایی که می‌تونین با استاد پ. برنذارین.

....

صرفاً جهت تست است.

← خمش:

خانم/آقای مخاطب! آزموده را آزمودن خطاست!

ورود ۹۷:

ریاضی ۱ رو خوب بخونید که بعد، ریاضی ۲ رو خوب بدید که گند نخوره به ترمای بعد.

← خمش:

برای شمایی که احتمالاً نیم‌قرن بعد از انتشار، خمش رو می‌خونی و شاید این کلمه اون موقع معنیش رو از دست بده: گند خوردن: درب و داغان کردن، از بین بردن، نابود کردن، ویران ساختن.

ورود ۹۸:

سلام. توصیه‌ی من به ورودی‌ها این است که ترم اول را اصلاً رها نکنند و درس‌های پایه را خوب یاد بگیرند و با نمره‌ی خوب دروس را پاس کنند. چون فضای دانشگاه کاملاً با مدرسه فرق دارد و درس‌ها سخت‌تر هستند.

← خمش:

عشق است باقی، ای دل! باقی همه حکایت / ما عمر خویشتن را ضایع نمی گذاریم!

Someone، ورود ۹۸:

اگه سلامت روانتون براتون مهمه، نیاید شریف...

← خمش:

نوش‌دارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی

ورود ۹۸:

۱) ترم ۱ عاشق نشید. ۲) سیگاری نشید. ۳) ریاضی و فیزیک رو خودتون خوب بخونید؛ نه اینکه به استادها اهمیت ندید، کمتر اهمیت بدید. ۴) خیلی از چیزهای نترسید؛ البته اگه فوبیای مکان جدید دارید. ولی در کل، دانشگاه همون دبیرستان تو فاز مختلطه! درس‌ها هم از دبیرستان سنگین‌تره طبعاً؛ ولی نفس عمیق بکشید و با آرامش دروس رو پیگیری کنید. برای بعد کرونا دارم بهتون میگم:

۵) پول بابت پیتزای پلاس ندید. رو نون باگت یه ذره پنیر و مخلفات ریختن. تازه، نه قسمت نرم نون باگت! اون قسمت روی نون باگت که خشک و ترده. ۶) اگه معدتون حساسه، برنج سلف رو نخورید. ۷) اون کافه‌ای که سمت در انرژیه فک کنم، اصلاً نریبید. با بی‌آرتی برید انقلاب. کافه ریخته. هر کافه‌ای هم نرید. تو ادوارد براون یه کافه‌ی خوب هست، برید اونجا. ۸) اتصال نمازجماعت برای خانوما از جلوی جلوعه، عقب‌تر نشینید. ۹) خدایی درس‌ها رو جدی بگیرید. اگه فشار مدرسه داغونتون کرده، کاملاً طبیعیه. اما دانشگاه رو شل نگیرید. چون اونا سفت می‌گیرن، فشارش به شما میاد. ۱۰) در مورد درس و اینا که خیلی مفیدتر باشه براتون، قطعاً دیگران چیزایی نوشتن. منم دیگه بقیه توصیه‌هام شو عمومی نداره. موفق باشید! امیدوارم از بهترین سالای عمرتون لذت ببرید.

← خمش:

به‌به! نصیحت گوش کن جانا که از جان دوست‌تر دارند / جوانان سعادت‌مند پند پیر دانا را!

مصطفی رسولی، ورود ۹۸:

بعد از سه سال سخت درس‌خوندن، تست‌زدن و حل هزارویک‌جور مسئله، بالاخره رسیدید به این نقطه و از این به بعد قراره عنوان دانشجوی شریف رو یدک بکشید. هرچند الان هر کدومتون یه (پا) مشاورید و قراره از این به بعد برای کلی آدم، نسخه‌ی کنکوری بیچید؛ ولی خب گفتن چند تا نکته راجع به حال‌وهوای کلاس‌های دانشگاه چندان هم خالی از لطف

نیست. جلسات اول دروس پایه معمولاً مطالب ساده‌ای ارائه می‌شه و الزامی نبودن حضور باعث می‌شه دانشجو از همون اول ترم شروع کنه به پیچوندن کلاس‌ها. ولی حضور سر کلاس از دو نظر اهمیت داره: اول اینکه درس‌ها قرار نیست تا همیشه ساده باشن. اگر از کلاس عقب بیفتید، دیگه سخت می‌شه جبران کرد. دوم اینکه شاید اوایل با پیچوندن، وقتتون آزادتر بشه و حتی شاید بهتر به درستون برسید؛ ولی بعد از یه مدت، دیگه اون نظم سابق رو ندارید و بعید نیست بعد از یه مدت به جای ۷ صبح، ۲ بعدازظهر از خواب بیدار بشید (وی خود زخم‌خورده است).

...

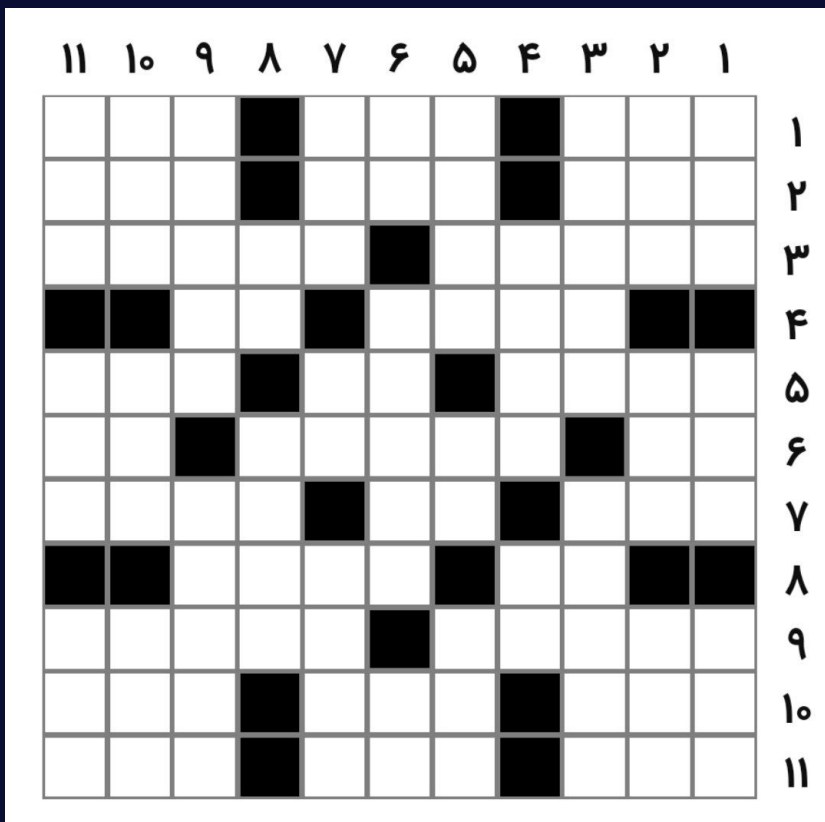
به‌عنوان یه سال آخری توصیه‌ام اینه که از تمام راه‌های موفقیت، حداکثر استفاده رو بکنید؛ چون تو دانشگاه زمینه‌اش زیاده. بهترین دوست‌ها رو پیدا کنید تا بتونید خودتون رو پیدا کنید. به‌دنبال ایجاد تفاوت باشید. تو هر زمینه‌ای به‌دنبال خلاقیت باشید؛ به‌دنبال اینکه هرچیزی که شما بخشی از اون هستید رو بهتر کنید. دنباله‌رو نباشید و خودتون باشید.

....

از فضای رقابتی بیایید بیرون و تو همه‌ی مسائل درسی یا کلاً چیزهای دیگه، به هم کمک کنید. سوال‌های هم رو جواب بدید و تو نوشتن تمرین‌ها به هم کمک کنید. (خسیس نباشید. نگید من کامل شم، بقیه نشن.) هم‌رودی‌هاتون رو دوست داشته باشید و بهشون احترام بذارید و با خط‌کشی‌ها و چیزهای چرت‌وپرت هم‌دیگه رو نرویند. سعی کنید با هم نزدیک و صمیمی باشید. به هم احترام بذارید؛ به عقاید هم، به همه‌چی. سر کلاس، بچه‌ها به سوال‌پرسیدن اعتراض می‌کنن و از زیاد سوال‌پرسیدن بعضی بچه‌های مشتاق، خوششون نمیاد. شما جزو اون دسته از آدم‌ها نباشید. همیشه‌ی همیشه، از اول ترم بچسبید به درستون. اگه یکی دو هفته ول کنید، بدبخت می‌شید.



جدول کلاسیک ابجد



اعداد ابجد معادل حروف زیر هستند:

(الف = ۱)، (ب = ۲)، (ج = ۳)، (د = ۴)، (ه = ۵)، (و = ۶)، (ز = ۷)، (ح = ۸)، (ط = ۹)، (ی = ۱۰)، (ک = ۲۰)، (ل = ۳۰)، (م = ۴۰)، (ن = ۵۰)، (س = ۶۰)، (ع = ۷۰)، (ف = ۸۰)، (ص = ۹۰)، (ق = ۱۰۰)، (ر = ۲۰۰)، (ش = ۳۰۰)، (ت = ۴۰۰)، (ث = ۵۰۰)، (خ = ۶۰۰)، (ذ = ۷۰۰)، (ض = ۸۰۰)، (ظ = ۹۰۰)، (غ = ۱۰۰۰).

۱. عمودی: ۲۰۳ - ۶۵۰ - ۶۵۰	۱. افقی: ۳۷ - ۳۱۲
۲. عمودی: ۳۱۱ - ۱۶ - ۱۴	۲. افقی: ۶۸ - ۲۶۴ - ۶۴۱
۳. عمودی: ۱۲۶ - ۱۰۲	۳. افقی: ۷۰۷ - ۸۱۷
۴. عمودی: ۳۶ - ۴۲۰	۴. افقی: ۶۴۱ - ۱۳
۵. عمودی: ۳۸ - ۶۲۰ - ۵۷	۵. افقی: ۳ - ۶۲۲ - ۷۶
۶. عمودی: ۲۳۰ - ۱۳۱ - ۲۰۶	۶. افقی: ۲۰۴ - ۱۳۶ - ۱۱۰
۷. عمودی: ۴۶۴ - ۸ - ۳۸	۷. افقی: ۱۰۰ - ۶۱۰ - ۶۲
۸. عمودی: ۱۳ - ۶۷	۸. افقی: ۲۱ - ۱۱۶
۹. عمودی: ۴۵۹ - ۲۴۰	۹. افقی: ۸۹۵ - ۱۲۱
۱۰. عمودی: ۶۲۰ - ۱۱۰ - ۲۰۳	۱۰. افقی: ۲۱۰ - ۳۷ - ۴۲
۱۱. عمودی: ۳۴۱ - ۴۰ - ۶۵	۱۱. افقی: ۲۰۷ - ۲۶۵ - ۶۰

روش حل:

ابتدا می‌بایست عدد هر بخش را متناسب با اعداد ابجد و تعداد خانه‌های آن بخش تجزیه کنید و سپس همه‌ی کلمات معنادار ساخته‌شده با حروف به‌دست‌آمده را در نظر بگیرید. به‌عنوان مثال اگر عدد ۳۸۱ برای یک بخش سه‌خانه‌ای آمده باشد، ابتدا آن را به (۳۰۰ = ش، ۸۰ = ف، ۱ = آ) تجزیه می‌کنیم و کلمه‌های «فاش» و «شفا» که دو ترکیب معنادار هستند را در نظر می‌گیریم. حال بسته به بقیه‌ی خانه‌ها یکی از این دو ترکیب را انتخاب می‌کنیم.

برای حل این جدول و مشاهده‌ی جدول کلمات مشابه، روی عکس کلیک کنید.



صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشکده مهندسی مکانیک و دریا (محور)

مدیر مسئول: زهرا خاتمی

سر دبیر: ستاره بیات

صفحه آرا: سولماز مجدم مفرد

تیم ویراستاری: مهسا گودرزی، نیما رستگار، زهرا موسوی، زهرا کرمی

همکاران این شماره: سید پارسا قزوینی، فاطمه شجاعی، نسیم

حق دوست، علی بولحسنی، نیما رستگار، علی لطفی، فاطمه زرگرباشی،

مریم عراقی، زهرا همتیان، علیرضا کرامتی، مرتضی معماری، محمد صدرا

زرگرزاده، زهرا کرمی، علی انصاری، حسن علیزاده، نگین نصیریان، زهرا

موسوی، علی جوکار، فاطمه فرهادی

با تشکر از: دکتر نورانی

با مادر ارتباط باشید:

✉ @khamesh_mehvar

✉ @mehvargroup

📷 [mehvar_group](https://www.instagram.com/mehvar_group)

🌐 mehvar.mech.sharif.ir